الانشقاق

قرآن مجید

به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر

به زبان های زنده دنیا



آشنایی. اعراب آیات. آوانگاری قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ۶ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۸۴. سوره الانشقاق

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور:قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع:معارف قرآنی

سوره الانشقاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّماءُ انْشَقَّتْ (۱)

وَ أَذِنَتْ لِرَبِّها وَ حُقَّتْ (۲)

وَ إِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (۳)

وَ أَلْقَتْ ما فِيها وَ تَخَلَّتْ (۴)

وَ أَذِنَتْ لِرَبِّها وَ حُقَّتْ (۵)

يا أَيُّهَا الْإِنْسانُ إِنَّکَ کادِحٌ إِلى رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقِيهِ (۶)

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ کِتابَهُ بِيَمِينِهِ (۷)

فَسَوْفَ يُحاسَبُ حِساباً يَسِيراً (۸)

وَ يَنْقَلِبُ إِلى أَهْلِهِ مَسْرُوراً (۹)

وَ أَمَّا مَنْ أُوتِيَ کِتابَهُ وَراءَ ظَهْرِهِ (۱۰)

فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُوراً (۱۱)

وَ يَصْلى سَعِيراً (۱۲)

إِنَّهُ کانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُوراً (۱۳)

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ (۱۴)

بَلى إِنَّ رَبَّهُ كانَ بِهِ بَصِيراً (۱۵)

فَلا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ (۱۶)

وَ اللَّيْلِ وَ ما وَسَقَ (۱۷)

وَ الْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (۱۸)

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ (۱۹)

فَما لَهُمْ لا يُؤْمِنُونَ (۲۰)

وَ إِذا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لا يَسْجُدُونَ (۲۱)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ (۲۲)

وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِما يُوعُونَ (۲۳)

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِيمٍ (۲۴)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲۵)

آشنایی با سوره

۸۴- انشقاق [دو شقه شدن و شکاف برداشتن]

باز هم از علائم ظهور قیامت، در هم ریختن و پاره شدن نظام جهان بالا بیان شده است (آیه ۱) آنچنانکه در سوره های تکویر و انفطار بیان شد. این سوره هم مانند سوره های کوچک مکی، تکیه اش روی مبدء و معاد است و سیر انسان را به سوی خدا و سرنوشت ابدی اش در آخرت، و حساب و کتاب، بیان می کند. بعد از سوره انفطار در مکه نازل شده و ۲۵ آیه دارد.

اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدّر یا محذوف / فاعل محذوف {الرَّحْمنِ} نعت تابع {الرَّحِيمِ} نعت تابع

{إِذَا} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب / فعل مقدّر یا محذوف {السَّماءُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {انْشَقَّتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{وَأَذِنَتْ} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر {لِرَبِّها} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَحُقَّتْ} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / نائب فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{وَإِذَا} (و) حرف عطف / ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب / فعل مقدّر یا محذوف {الْأَرْضُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {مُدَّتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / نائب فاعل، ضمیر

مستتر (هی) در تقدیر

{وَأَلْقَتْ} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر {ما} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {فِيها} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وَتَخَلَّتْ} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{وَأَذِنَتْ} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر {لِرَبِّها} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَحُقَّتْ} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / نائب فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{يا} (يا) حرف ندا {أَيُّهَا} منادا، منصوب یا در محل نصب / (ها) حرف تنبیه {الْإِنْسانُ} نعت تابع {إِنَّكَ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ / (ك) ضمیر متصل در محل نصب، اسم إنّ {كادِحٌ} خبر إنَّ، مرفوع یا در محل رفع {إِلى} حرف جر {رَبِّكَ} اسم مجرور یا در محل جر / (ك) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {كَدْحاً} مفعول مطلق یا نائب مفعول، منصوب {فَمُلاقِيهِ} (ف) حرف عطف / مبتدا مقدّر یا محذوف یا در محل / خبر، مرفوع یا در محل رفع / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه

{فَأَمَّا} (ف) حرف عطف / حرف شرط و تفصیل {مَنْ} اسم شرط جازم در محل رفع و مبتدا {أُوتِيَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / نائب فاعل،

ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {كِتابَهُ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {بِيَمِينِهِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه

{فَسَوْفَ} (ف) رابط جواب برای شرط / حرف استقبال {يُحاسَبُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / نائب فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {حِساباً} مفعول مطلق یا نائب مفعول، منصوب {يَسِيراً} نعت تابع

{وَيَنْقَلِبُ} (و) حرف عطف / فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {إِلى} حرف جر {أَهْلِهِ} اسم مجرور یا در محل جر / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {مَسْرُوراً} حال، منصوب

{وَأَمَّا} (و) حرف عطف / حرف شرط و تفصیل {مَنْ} اسم شرط جازم در محل رفع و مبتدا {أُوتِيَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / نائب فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {كِتابَهُ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَراءَ} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب {ظَهْرِهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه

{فَسَوْفَ} (ف) رابط جواب برای شرط / حرف استقبال {يَدْعُوا} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {ثُبُوراً} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب

{وَيَصْلى} (و) حرف عطف / فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا

تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {سَعِیراً} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب

{إِنَّهُ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، اسم إنّ {کانَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / اسم کان، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {فِی} حرف جر {أَهْلِهِ} اسم مجرور یا در محل جر / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {مَسْرُوراً} خبر کان، منصوب یا در محل نصب / خبر إنَّ محذوف

{إِنَّهُ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، اسم إنّ {ظَنَّ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر إنَّ محذوف {أَنْ} حرف مشبه بالفعل (أن) مخفّفه از مثقّله / (ه) محذوف و اسم إنْ مخفّفه {لَنْ} حرف نصب {یَحُورَ} فعل مضارع، منصوب به فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر أنَّ محذوف

{بَلی} حرف جواب {إِنَّ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {رَبَّهُ} اسم إنّ، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {کانَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / اسم کان، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {بِهِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {بَصِیراً} خبر کان، منصوب یا در محل نصب / خبر إنَّ محذوف

{فَلا} (ف) حرف استیناف / (لا) حرف زائد {أُقْسِمُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (أنا) در تقدیر {بِالشَّفَقِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور

{وَاللَّیْلِ} (و) حرف عطف /

معطوف تابع {وَما} (و) حرف عطف / معطوف تابع {وَسَقَ} فعل ماضـی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضـمیر مستتر (هو) در تقدیر

{وَالْقَمَرِ} (و) حرف عطف / معطوف تـابع {إِذَا} ظرف یـا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب {اتَّسَقَ} فعل ماضـی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

{لَتَرْكَبُنَّ} (ل) حرف قسم / فعـل مضـارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) محـذوف در محـل رفع و فاعل / نون تأکیـد ثقلیه {طَبَقاً} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {عَنْ} حرف جر {طَبَقٍ} اسم مجرور یا در محل جر

{فَما} (ف) رابط جواب برای شرط / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {لَهُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر در تقدیر یا محـذوف یا در محل {لا} حرف نفی غیر عامل {يُؤْمِنُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضـمیر متصل در محل رفع و فاعل

{وَإِذا} (و) حرف عطف / ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب {قُرِئَ} فعل ماضـی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقـدیری {عَلَيْهِمُ} حرف جر و اسـم بعـد از آن مجرور {الْقُرْآنُ} نـائب فاعـل، مرفـوع یـا در محـل رفـع {لا} حرف نفی غیر عـامل {يَسْجُدُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل

{بَلِ} حرف اضراب {الَّذِينَ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {كَفَرُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {يُكَذِّبُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / خبر در تقدیر یا محذوف یا

در محل

{وَاللَّهُ} (و) حالیه / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {أَعْلَمُ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {بِما} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {يُوعُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل

{فَبَشِّرْهُمْ} (ف) رابط جواب برای شرط / فعل امر مبنی بر سکون / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {بِعَذابٍ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {أَلِيمٍ} نعت تابع

{إِلاَّ} حرف استثنا {الَّذِينَ} مستثنی، منصوب {آمَنُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {وَعَمِلُوا} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {الصَّالِحاتِ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {لَهُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر مقدّم محذوف {أَجْرٌ} مبتدا مؤخّر {غَيْرُ} نعت تابع {مَمْنُونٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر

آوانگاری قرآن

.Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi

Itha alssamao inshaqqat.۱

Waathinat lirabbiha wahuqqat.۲

Wa-itha al-ardu muddat.۳

Waalqat ma feeha watakhallat.۴

Waathinat lirabbiha wahuqqat.۵

Ya ayyuha al-insanu innaka kadihun ila rabbika kadhan famulaqeehi.۶

Faama man ootiya kitabahu biyameenihi.۷

Fasawfa yuhasabu hisaban yaseeran.۸

Wayanqalibu ila ahlihi masrooran.۹

Waamma man ootiya kitabahu waraa thahrihi.۱۰

Fasawfa yadAAoo thubooran.۱۱

Wayasla saAAeeran.١٢

Innahu kana fee ahlihi masrooran.١٣

Innahu thanna an lan yahoora.١۴

Bala inna rabbahu kana bihi baseeran.١۵

Fala oqsimu bialshshafaqi.١۶

Waallayli wama wasaqa.١٧

Waalqamari itha ittasaqa.١٨

Latarkabunna tabaqan AAan tabaqin.١٩

Fama lahum la yu/minoona.٢٠

Wa-itha quri-a AAalayhimu alqur-anu la yasjudoona.٢١

Bali allatheena kafaroo yukaththiboona.٢٢

WaAllahu aAAlamu bima.٢٣

yooAAoona

Fabashshirhum biAAathabin aleemin.۲۴

Illa allatheena amanoo waAAamiloo alssalihati lahum ajrun ghayru mamnoonin.۲۵

ترجمه سوره

ترجمه فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

آنگاه که آسمان زهم بشکافد، (۱)

و پروردگارش را فرمان برد و [چنین سزد. (۲)

و آنگاه که زمین کشیده شود، (۳)

و آنچه را که در آن است بیرون افکند و تهی شود، (۴)

و پروردگارش را فرمان برد و [چنین سزد. (۵)

ای انسان، حقاً که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی، و او را ملاقات خواهی کرد. (۶)

اما کسی که کارنامه اش به دست راستش داده شود، (۷)

بزودی اش حسابی بس آسان کنند، (۸)

و شادمان به سوی کسانش باز گردد. (۹)

و اما کسی که کارنامه اش از پشت سرش به او داده شود، (۱۰)

زودا که هلاک [خویش خواهد، (۱۱)

و در آتش افروخته درآید. (۱۲)

او در [میان خانواده خود شادمان بود. (۱۳)

او می پنداشت که هرگز برنخواهد گشت. (۱۴)

آری، در حقیقت، پروردگارش به او بینا بود. (۱۵)

نه، نه، سوگند به شفق، (۱۶)

سوگند به شب و آنچه [شب فروپوشاند، (۱۷)

سوگند به ماه چون [بَدر] تمام شود، (۱۸)

که قطعاً از حالی به حالی برخواهید نشست. (۱۹)

پس چرا آنان باور نمی دارند؟ (۲۰)

و چون بر آنان قرآن تلاوت می شود چهره بر خاک نمی سایند؟ (۲۱)

[نه!] بلکه آنان که کفر ورزیده اند، تکذیب می کنند. (۲۲)

و خدا به آنچه در سینه دارند داناتر است. (۲۳)

پس آنان را از عذابی دردناک خبر ده، (۲۴)

مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند، که آنان را پاداشی بی منّت خواهد بود. (۲۵)

ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» در آن هنگام که آسمان (= کرات آسمانی) شکافته شود،

«۲» و تسلیم فرمان پروردگارش شود - و سزاوار است چنین باشد -

«۳» و در آن هنگام که زمین گسترده شود،

«۴» و آنچه در درون دارد بیرون افکنده و خالی شود،

«۵» و تسلیم فرمان پروردگارش گردد - و شایسته است که چنین باشد -

«۶» ای انسان! تو با تلاش و رنج بسوی پروردگارت می روی و او را ملاقات خواهی کرد!

«۷» پس کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود،

«۸» بزودی حساب آسانی برای او می شود،

«۹» و خوشحال به اهل و خانواده اش بازمی گردد.

«۱۰» و امّا کسی که نامه اعمالش به پشت سرش داده شود،

«۱۱» بزودی فریاد می زند وای بر من که هلاک شدم!

«۱۲» و در شعله های سوزان آتش می سوزد.

«۱۳» چرا که او در میان خانواده اش پیوسته [از کفر و گناه خود] مسرور بود!

«۱۴» او گمان می کرد هرگز بازگشت نمی کند!

«۱۵» آری، پروردگارش نسبت به او بینا بود [و اعمالش را برای حساب ثبت کرد]!

«۱۶» سوگند به شفق،

«۱۷» و سوگند به شب و آنچه را جمع آوری می کند،

«۱۸» و سوگند به ماه آنگاه که بَدر کامل می شود،

«۱۹» که همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می شوید [تا به کمال برسید].

«۲۰» پس چرا آنان ایمان نمی آورند؟!

«۲۱» و هنگامی که قرآن بر آنها خوانده می شود سجده نمی کنند؟!

«۲۲» بلکه کافران پیوسته آیات الهی را انکار می کنند!

«۲۳» و خداوند آنچه را در دل پنهان می دارند بخوبی می داند!

«۲۴» پس آنها را به عذابی دردناک بشارت ده!

«۲۵» مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، که برای

آنان پاداشی است قطع نشدنی!

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

هنگامی که آسمان بشکافد (۱)

و فرمان پروردگارش را اطاعت کند، و [به این اطاعت از فرمان،] سزاوارتر گردد (۲)

و هنگامی که زمین گسترده شود (۳)

و آنچه را در درون دارد بیرون افکند، و تهی گردد (۴)

و فرمان پروردگارش را اطاعت کند، و [به این اطاعتِ از فرمان،] سزاوارتر گردد، (۵)

ای انسان! یقیناً تو با کوشش و تلاشی سخت به سوی پروردگارت در حرکتی، پس او را [در حالی که مقام فرمانروایی مطلق و حکومت بر همه چیز ویژه اوست و هیچ حکومتی در برابرش وجود ندارد،] دیدار می کنی، (۶)

اما کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهند، (۷)

به زودی با حسابی آسان به حسابش رسیدگی شود، (۸)

و خوشحال و شادمان به سوی خانواده اش [در بهشت] باز گردد، (۹)

و اما کسی که نامه اعمالش را از پشت سرش دهند، (۱۰)

به زودی با فریادی حسرت بار، هلاکت و نابودی خود را خواهد، (۱۱)

و در آتش افروخته در آید. (۱۲)

او همواره در میان خانواده اش [به ثروت و مال و مقام] خوشحال و شادمان بود. (۱۳)

او می پنداشت که هرگز پس از مرگ [به حیات دوباره] باز نخواهد گشت. (۱۴)

آری، بی تردید پروردگارش نسبت به [همه امور] او بینا بود [از این جهت تمام اعمال و دست آوردش را برای پاداش و کیفر ثبت کرد.] (۱۵)

سوگند به سرخی کنار افق به هنگام غروب خورشید (۱۶)

و سوگند به شب و آنچه را [از موجودات پراکنده شده در روز، در خانه ها و

لانه ها] جمع می کند (۱۷)

و سوگند به ماه هنگامی که بَدْر کامل می شود (۱۸)

که شما حالی را پس از حالی [که مراحل مختلف زندگی است و در سختی و زحمت مطابق یکدیگرند] طی می کنید [تا به دیدار پروردگارتان نایل آیید.] (۱۹)

پس اینان را چه می شود که ایمان نمی آورند؟! (۲۰)

و هرگاه قرآن را بر آنان خوانند، خاضع و تسلیم نمی شوند؟! (۲۱)

بلکه کافران همواره انکار هم می کنند! (۲۲)

و خدا به آنچه [از انکار، کفر، نفاق، حسد و...] در دل خود جمع می کنند، داناتر است. (۲۳)

پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده.... (۲۴)

مگر آنان را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، که آنان را پاداشی جاودان و بی منت است. (۲۵)

ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما، به یاد آر هنگامی که آسمان شکافته شود (۱)

و به فرمان حق گوش فرا دارد و البته آسمان مخلوق خداست سزد که فرمان او پذیرد (۲)

و هنگامی که زمین وسیع و منبسط شود و پست و بلندیهای آن هموار گردد (۳)

و هر چه در درون دل پنهان داشته از مردگان و گنجها و معادن همه را بکلی بیرون افکند (۴)

و به فرمان خدا گوش فرا دهد و البته زمین که مخلوق حقست سزد که فرمان او پذیرددر آن هنگام که هنگامه قیامت برپا شود (۵)

ای انسان غافل مباش از آن روز و البته با هر رنج و مشقت در راه طاعت و عبادت حق بکوش که عاقبت حضور پروردگار خود میروی و به مرگ نائل به ملاقات او می شوی (۶)

اما آن کس که در

آن روزنامه اعمالش به دست راست دهند (۷)

آن کس خوشا بر احوالش که بسیار حسابش آسان کنند (۸)

و او به سوی کسان و خویشانش در بهشت مسرور و شادمان خواهد رفت (۹)

و اما آن کس که نامه اعمالش را از پشت سر بدست چپ دهند (۱۰)

بدا بر احوالش که او بر هلاک خود آه و فریاد حسرت بسیار کند (۱۱)

و به آتش سوزان دوزخ درافتد (۱۲)

که او میان کسانش بسیار مغرور و مسرور بود و به ناز و نعمت دنیا از خدا غافل شد. امای اولشان نزولش عبد الله ابن عبد الاسود بود که مردی با ایمان و از اصحاب پیغمبر (ص) بود و امای دوم برادرش اسود که کافر بود و همدست باقاتل حمزه عم پیغمبر صلی الله علیه و اله (۱۳)

و گمان کرد که ابدا به سوی خدا باز نخواهد گشت (۱۴)

بلی خدا به احوال و اعمال او کاملا آگاهست (۱۵)

چنین نیست که خدا از فعل مخلوقش آگه نباشد قسم به شفق و روشنی او وقت غروب هنگام نماز مغرب (۱۶)

قسم به شب تار و آنچه در او گرد آمده و در دل شب خزیده و آرام گرفته (۱۷)

و قسم به ماه تابان هنگام بدر که تمام فروزان شود (۱۸)

قسم به این امور که شما احوال گوناگون و حوادث رنگارنگ از نخستین خلقت تا مرگ و برزخ و ورود به بهشت و دوزخ خواهید یافت که همه به امر خداست نه اختیار شما (۱۹)

پس کافران از چه رو به خدا ایمان نمی آورند (۲۰)

و چرا چون بر آنان آیات

قرآن تلاوت شد سجده حق نمی کنند (۲۱)

بلکه آن مردم کافر قرآن خدا را تکذیب می کنند (۲۲)

و خدا به آنچه در دل پنهان میدارند از خود آنها داناتر است (۲۳)

ای رسول آنها را به عذاب دردناك دوزخ بشارت ده (۲۴)

مگر آنان که ایمان آرند و نیکوکار شوند که آنها را اجری بی منت و ثوابی بی نهایت در بهشت جاودانی خواهد بود (۲۵)

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

آنگاه که آسمان شکافته شود. (۱)

و پروردگارش را فرمان برد که چنین سزاوار است. (۲)

و آنگاه که زمین هموار شود. (۳)

و آنچه در آن است بیرون اندازد و خالی گردد. (۴)

و به فرمان پروردگارش گوش سپرد که چنین سزد. (۵)

هان ای انسان! تو به سوی پروردگارت تلاش بسیاری داری و سرانجام به لقای او خواهی رسید. (۶)

پس هر کس کارنامه اش به دست راستش داده شود، (۷)

به زودی و به آسانی به حساب او رسیدگی خواهد شد، (۸)

و شادمان به سوی خانواده اش (یا همفکرانش) بازمی گردد. (۹)

و هر کس نامه اش از پشت سر (و به دست چپ) او داده شود، (۱۰)

پس زود فریاد فغان بر خواهد آورد، (۱۱)

و داخل دوزخ خواهد شد. (۱۲)

همانا او (در دنیا) در میان خانواده اش شادمان بود. (۱۳)

او گمان می کرد که هرگز بازنمی گردد. (۱۴)

چرا (باز خواهد گشت) و پروردگارش به او بیناست. (۱۵)

به شفق، (سرخی بعد از غروب) سوگند می خورم، (۱۶)

و به شب و آنچه (زیر پرده سیاهی خود) جمع می کند سوگند، (۱۷)

و به ماه آنگاه که کامل گردد سوگند. (۱۸)

که شما

همواره از حالی به حال دیگر درآیید. (۱۹)

پس آنان را چه شده که ایمان نمی آورند؟ (۲۰)

و آنگاه که قرآن بر آنان خوانده شود، سجده نمی کنند؟ (۲۱)

بلکه کافران (آیات الهی را) تکذیب می کنند. (۲۲)

و خدا به آنچه در دل دارند آگاه تر است. (۲۳)

پس ایشان را به عذابی دردناک بشارت ده. (۲۴)

مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند که برای آنان پاداشی است ابدی و قطع نشدنی (و بی منّت). (۲۵)

ترجمه فارسی استاد مجتبوی

به نام خدای بخشاینده مهربان

آنگاه که آسمان شکافته شود. (۱)

و به پروردگار خود گوش سپارد و فرمان برد و این سزاوار اوست. (۲)

و آنگاه که زمین کشیده و گسترده شود - به اینکه کوه ها از میان برداشته و زمین هموار گردد -. (۳)

و آنچه را درون خود دارد - مردگان - بیرون افکند و تهی گردد. (۴)

و به پروردگار خود گوش سپارد و فرمان برد و این سزاوار اوست. (۵)

ای آدمی، همانا تو به سوی پروردگارت سخت کوشنده و رونده ای، پس او را دیدار خواهی کرد. (۶)

پس آن که کارنامه اش به دست راستش داده شود، (۷)

زودا که با او حساب کنند حسابی آسان. (۸)

و شادان به سوی کسان خویش - از مومنان و بهشتیان - بازگردد. (۹)

و اما آن که کارنامه اش از پشت سرش داده شود، (۱۰)

پس زودا که به هلاکت و نابودی - و گفتن وای بر من - فریاد بر آرد، (۱۱)

و به آتش افروخته و سوزان درآید. (۱۲)

همانا وی در میان کسان خود [به ناروا] شادان بود. (۱۳)

همانا او می پنداشت که

هرگز باز نخواهد گشت، (۱۴)

آری، همانا خدایش به وی - و کردارش - بینا بود. (۱۵)

پس سوگند می خورم به شفق - سرخی بعد از غروب آفتاب که در مغرب دیده می شود -. (۱۶)

و سوگند به شب و آنچه فراهم آرد و فرو پوشد - شبانگاه که چارپایان و جانوران در آرامگاه خود گرد آیند -. (۱۷)

و سوگند به ماه آنگاه که [فروغش] کامل گردد - شب چهاردهم -، (۱۸)

که هرآینه شما حالی را از پس حالی - از مرگ و بعث و حساب و ... - پشت سر می گذارید. (۱۹)

پس آنان را چیست که ایمان نمی آورند؟! (۲۰)

و چون بر آنان قرآن خوانده شود به سجده درنمی آیند - خضوع نمی کنند -؟! (۲۱)

بلکه آنان که کافر شدند تکذیب می کنند - قرآن یا رستاخیز را -. (۲۲)

و خدا بدانچه در دل نهان می دارند داناتر است. (۲۳)

پس آنها را به عذابی دردناک مژده ده! (۲۴)

مگر آنان که ایمان آورده و کارهای نیک و شایسته کرده اند که ایشان را مزد بی پایان - یا بی منت - است. (۲۵)

ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

چون آسمان شکافته شود، (۱)

و به فرمان پروردگارش گوش دهد و حق بود که چنین کند. (۲)

و چون زمین منبسط شود، (۳)

و هر چه را که در درون دارد بیرون افکند و تهی گردد، (۴)

و به فرمان پروردگارش گوش دهد و حق بود که چنین کند. (۵)

ای انسان، تو در راه پروردگارت رنج فراوان می کشی ، پس پاداش آن را خواهی دید. (۶)

هر کس که نامه اش را به دست

راستش دهند، (۷)

زودا که آسان از او حساب کشند، (۸)

و شادمان نزد کسانش بازگردد. (۹)

اما هر کس که نامه اش از پشت سر داده شود، (۱۰)

زودا که بگوید: وای بر من که هلاك شدم. (۱۱)

و به آتش افروخته درآید. (۱۲)

او در دنیا نزد کسانش شادمان زیسته بود. (۱۳)

و می پنداشته است که هرگز باز نخواهد گشت. (۱۴)

آری پروردگارش او را می دیده است. (۱۵)

پس به شفق سوگند می خورم، (۱۶)

و سوگند به شب و هر چه را فرو پوشد، (۱۷)

و سوگند به ماه چون فروغش کامل شود، (۱۸)

که به حالی بعد از حال دیگر تحول خواهید یافت. (۱۹)

چه می شودشان که ایمان نمی آورند؟ (۲۰)

و چون قرآن بر آنها خوانده شود سجده نمی کنند؟ (۲۱)

بلکه ، کافران تکذیب می کنند. (۲۲)

و خدا به آنچه در دل دارند آگاه است. (۲۳)

پس آنان را به عذابی دردآور بشارت ده ، (۲۴)

مگر آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند که پاداششان را پایانی نیست. (۲۵)

ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

آنگاه که آسمان بشکافد (۱)

و به [امر] پروردگارش گوش بسپارد و خود چنین سزد (۲)

و آنگاه که زمین بازکشیده گردد (۳)

و هر چه در دل آن است بیرون اندازد و تهی گردد (۴)

و به [امر] پروردگارش گوش بسپارد و خود چنین سزد (۵)

هان ای انسان تو در راه پروردگارت سخت کوشیده ای [و رنج برده ای] و به لقای او نایل خواهی شد (۶)

اما هر کس که کارنامه اش به دست راستش داده

شود (۷)

زودا که حسابی آسان، با او محاسبه گردد (۸)

و شادمان به سوی خانواده اش بازگردد (۹)

و اما هر کس که کارنامه اش از پس پشتش به او داده شود (۱۰)

زودا که زاری سر دهد (۱۱)

و به دوزخ در آید (۱۲)

چرا که او در میان خانواده اش [به ناحق] شادمان بود (۱۳)

و می پنداشت که هرگز [به قیامت] باز نگردد (۱۴)

آری بی گمان پروردگارش به [احوال] او بینا بود (۱۵)

پس سوگند می خورم به شفق (۱۶)

و به شب و آنچه گرد آورد (۱۷)

و سوگند به ماه چون کامل گردد (۱۸)

که شما از حالی به حالی دیگر در آیید (۱۹)

پس ایشان را چه می شود که ایمان نمی آورند (۲۰)

و چون بر آنان قرآن خوانند، به سجده نیفتند (۲۱)

بلکه کافران انکار می ورزند (۲۲)

و خداوند به آنچه در دل می دارند داناتر است (۲۳)

پس ایشان را از عذابی دردناک خبر ده (۲۴)

مگر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، که ایشان را پاداشی است ناکاسته [/ بی منت] (۲۵)

ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

گاهی که آسمان بشکافت (۱)

و فرمان برد برای پروردگار خویش و سزاوار شد (۲)

و گاهی که زمین کشیده (پهن) شد (۳)

و افکند آنچه در آن است و تهی شد (۴)

و فرمان برد پروردگار خویش را و سزاوار شد (۵)

ای انسان همانا توئی رنج برنده بسوی پروردگار خویش رنجی را پس رسنده ای بدان (۶)

امّا آنکه داده شود نامه خویش را به راستش (۷)

پس زود است حساب شود حسابی آسان (۸)

و بازگردد بسوی خاندان خویش شادان (۹)

و اما آنکه

داده شود نامه خویش را از پشت سرش (۱۰)

پس زود است بخواند مرگ را (۱۱)

و بچشد آتش را (۱۲)

که بود او همانا در خاندان خود شادان (۱۳)

او همانا پنداشت که هرگز بازنگردد (۱۴)

بلکه پروردگار او است بدو بینا (۱۵)

پس سوگند نیارم به خورگاه (شفق) (۱۶)

و به شب و آنچه فراگیرد (۱۷)

و به ماه گاهی که تمام شود (۱۸)

که هر آینه سوار گردید پشتی بر پشتی (طبقه ای پس از طبقه ای) (۱۹)

پس چه شودشان که ایمان نیارند (۲۰)

و گاهی که خوانده شود بر ایشان قرآن سجده نکنند (۲۱)

بلکه آنان که کفر ورزیدند تکذیب کنند (۲۲)

و خدا دانا است بدانچه در خویشتن نهان دارند (۲۳)

پس مژده ده ایشان را به عذابی دردناك (۲۴)

مگر آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند که ایشان را است مزدی بی پایان (یا بی منّت) (۲۵)

ترجمه انگلیسی قرائی

.In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful

When the sky is split open ۱

.and gives ear to its Lord as it should ۲

When the earth is spread out ۳

,and throws out what is in it, emptying itself ۴

.and gives ear to its Lord as it should ۵

.O man! You are labouring toward your Lord laboriously, and you will encounter Him ۶

,Then as for him who is given his record in his right hand ۷

,he shall soon receive an easy reckoning ۸

.and he will return to his folks joyfully ۹

,But as for him who is given his record from behind his back ۱۰

۱۱ he will pray for annihilation,

۱۲ and he will enter the Blaze.

۱۳ Indeed he used to be joyful among his folk,

۱۴ and indeed he thought he would never return.

۱۵ Yes indeed, his Lord sees him best.

۱۶ So I swear by the evening glow,

۱۷ by the night and what it is fraught with,

۱۸ by the moon when it blooms full:

۱۹ you will surely fare from stage to stage.

۲۰ So what is the matter with them that they will not believe?

۲۱ And when the Qur'an is recited to them they will not prostrate?

۲۲ Rather the faithless deny,

۲۳ and Allah knows best what they keep to themselves.

۲۴ So warn them of a painful punishment,

۲۵ except such as are faithful and do righteous deeds: there will be an everlasting reward for them.

ترجمه انگلیسی شاکر

۱) When the heaven bursts asunder,

۲) And obeys its Lord and it must.

۳) And when the earth is stretched,

(And casts forth what is in it and becomes empty, (۴

(And obeys its Lord and it must. (۵

O man! surely you must strive (to attain) to your Lord, a hard striving until you meet (Him. (۶

(Then as to him who is given his book in his right hand, (۷

(He shall be reckoned with by an easy reckoning, (۸

(And he shall go back to his people joyful. (۹

(And as to him who is given his book behind his back, (۱۰

(He shall call for perdition, (۱۱

And

(enter into burning fire. (۱۲

(Surely he was (erstwhile) joyful among his followers. (۱۳

(Surely he thought that he would never return. (۱۴

(Yea! surely his Lord does ever see him. (۱۵

(But nay! I swear by the sunset redness, (۱۶

(And the night and that which it drives on, (۱۷

(And the moon when it grows full, (۱۸

(That you shall most certainly enter one state after another. (۱۹

(But what is the matter with them that they do not believe, (۲۰

(And when the Quran is recited to them they do not make obeisance? (۲۱

(Nay! those who disbelieve give the lie to the truth. (۲۲

(And Allah knows best what they hide, (۲۳

(So announce to them a painful punishment~ (۲۴

Except those who believe and do good; for them is a reward that shall never be cut (off. (۲۵

ترجمه انگلیسی ایروینگ

!In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful

When the sky will split open (۱)

,and listen to its Lord as it ought to (۲)

,suddenly the earth will flatten out (۳)

;and throw up whatever it contains, and fall back empty (۴)

!and (also) listen to its Lord as it ought to (۵)

!Everyman, you are toiling constantly for your Lord, and you will meet Him (۶)

Anyone who is given his book in his right hand (۷)

,will be called to account with an easy reckoning (۸)

;and return joyfully to his family (۹)

while anyone who is given his book behind his back (۱۰)

will appeal to (۱۱)

be blotted out

.and will roast in the Blaze (۱۲)

;He used to be happy with his own people (۱۳)

.[he supposed he would never revert [to God (۱۴)

!Nevertheless his Lord had still been Observing him (۱۵)

,So I swear by the gloaming (۱۶)

,and night and whatever it enshrouds (۱۷)

,and the moon when it blossoms full (۱۸)

.you shall ride along stage by stage (۱۹)

?What is wrong with them that they do not believe (۲۰)

?When the Qur'an is read to them, why do they not bow down on their knees (۲۱)

Instead, those who disbelieve keep on rejecting (۲۲)

.while God is quite Aware of how they are holding back (۲۳)

,Give them news of painful torment (۲۴)

except for those who believe and perform honorable deeds; they will have (۲۵)
.payment which will never be withheld

ترجمه انگلیسی آربری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

(When heaven is rent asunder (۱

(and gives ear to its Lord, and is fitly disposed; (۲

(when earth is stretched out (۳

(and casts forth what is in it, and voids itself, (۴

(and gives ear to its Lord, and is fitly disposed! (۵

(O Man! Thou art labouring unto thy Lord laboriously,and thou shalt encounter Him. (۶

(Then as for him who is given his book in his right hand, (۷

(he shall surely receive an easy reckoning (۸

(and he return to his family joyfully. (۹

(But as for him who is given his book behind his back, (۱۰

he shall

(call for destruction (۱۱

(and he shall roast at a Blaze. (۱۲

(He once lived among his family joyfully; (۱۳

(he surely thought he would never revert. (۱۴

(Yes indeed; his Lord had sight of him. (۱۵

(No! I swear by the twilight (۱۶

(and the night and what it envelops (۱۷

(and the moon when it is at the full, (۱۸

(you shall surely ride stage after stage. (۱۹

(Then what ails them, that they believe not, (۲۰

(SUJDAH AYA) @and when the Koran is recited to them they do not bow? (۲۱)

(Nay, but the unbelievers are crying lies, (۲۲

(and God knows very well what they are secreting. (۲۳

(So give them good tidings of a painful chastisement, (۲۴

except those that believe, and do righteous deeds--theirs shall be a wage unfailing. ((۲۵

ترجمه انگلیسی پیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

(When the heaven is split asunder (۱

(And attentive to her Lord in fear, (۲

(And when the earth is spread out (٣

(And hath cast out all that was in her, and is empty (۴

(And attentive to her Lord in fear! (۵

Thou, verily, O man, art working toward thy Lord a work which thou wilt meet (in His (presence). (۶

(Then whoso is given his account in his right hand (٧

(He truly will receive an easy reckoning (٨

(And will return unto his folk in joy. (٩

(But whoso is given his account behind his back, (١٠

(He surely will invoke destruction (١١

And be thrown

(to scorching fire. (۱۲

(He verily lived joyous with his folk, (۱۳

(He verily deemed that he would never return (unto Allah). (۱۴

(Nay, but lo! his Lord is ever looking on him! (۱۵

(Oh, I swear by the afterglow of sunset, (۱۶

(And by the night and all that it enshroudeth, (۱۷

(And by the moon when she is at the full, (۱۸

(That ye shall journey on from plane to plane. (۱۹

(What aileth them, then, that they believe not (۲۰

(And, when the Quran is recited unto them, worship not (Allah)? (۲۱

(Nay, but those who disbelieve will deny; (۲۲

(And Allah knoweth best what they are hiding. (۲۳

(So give them tidings of a painful doom, (۲۴

(Save those who believe and do good works, for theirs is a reward unfailing. (۲۵

ترجمه انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Merciful

(When the Sky is rent asunder. (۱

(And hearkens to (the Command of) its Lord and it must needs (do so)-- (۲

(And when the Earth is flattened out (۳

(And casts forth what is within it and becomes (clean) empty (۴

And hearkens to (the Command of) its Lord and it must needs (do so)-- (then will come (Home the full Reality). (٥

O thou man! verily thou art ever toiling on towards the Lord painfully toiling but thou (shalt meet Him. (٦

(Then he who is given his Record in his Right hand (٧

(Soon will his account be taken by an easy reckoning (٨

And he

(will turn to his people rejoicing! (٩

(But he who is given his Record behind his back (١٠

(Soon will he cry for Perdition (١١

(And he will enter a Blazing Fire. (١٢

(Truly did he go about among his people rejoicing! (١٣

(Truly did he think that he would not have to return (to Us)! (١۴

(Nay nay! for his Lord was (ever) watchful of him! (١۵

(So I do call to witness the ruddy glow of Sunset; (١۶

(The Night and its Homing; (١٧

(And the Moon in her Fullness; (١٨

(Ye shall surely travel from stage to stage. (١٩

(What then is the matter with them that they believe not? (٢٠

(And when the Quran is read to them they fall not prostrate. (٢١

(But on the contrary the Unbelievers reject (it). (٢٢

(But Allah has full Knowledge of what they secrete (in their breasts). (٢٣

(So announce to them a Penalty Grievous (٢۴

Except to those who believe and work righteous deeds: for them is a Reward that will (never fail. (٢۵

ترجمه فرانسوی

.Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux

Quand le ciel se déchirera .١

- et obéira à son Seigneur - et fera ce qu'il doit faire .٢

,et que la terre sera nivelée .٣

,et qu'elle rejettera ce qui est en son sein (les morts) et se videra .۴

- et qu'elle obéira à son Seigneur - et fera ce qu'elle doit faire .۵

homme! Toi qui t'efforces vers ton Seigneur sans relâche, tu Le ش .۶

.rencontreras alors

,Celui qui recevra son livre en sa main droite .٧

,sera soumis à un jugement facile .٨

.et retournera réjoui auprès de sa famille .٩

,Quant à celui qui recevra son livre derrière son dos .١٠

,il invoquera la destruction sur lui-même .١١

.et il brûlera dans un feu ardent .١٢

,Car il était tout joyeux parme les siens .١٣

et il pensait que jamais il ne ressusciterait .١٤

.Mais si! Certes, son Seigneur l'observait parfaitement .١٥

,Non!... Je jure par le crépuscule .١٦

,et par la nuit et ce qu'elle enveloppe .١٧

!et par la lune quand elle devient pleine-lune .١٨

!Vous passerez, certes, par des états successifs .١٩

?Qu'ont-ils à ne pas croire .٢٠

? et à ne pas se prosterner quand le Coran leur est lu .٢١

.Mais ceux qui ne croient pas, le traitent plutt de mensonge .٢٢

.Or, Allah sait bien ce qu'ils dissimulent .٢٣

.Annonce-leur donc un châtiment douloureux .٢٤

Sauf ceux qui croient et accomplissent les bonnes oeuvres: à eux une récompense .٢٥

.jamais interrompue

ترجمه اسپانیایی

۱. Cuando el cielo se desgarre

۲. y escuche a su Señor -como debe ser-,

۳. cuando la tierra sea allanada,

۴. vomite su contenido, vaciándose,

۵. y escuche a su Señor -como debe ser-...

۶. ¡Hombre! Te esfuerzas con denuedo en encontrar a tu Señor y Le encontrarás.

۷. Aquél que reciba su Escritura en la diestra

۸. será juzgado benignamente

۹. y regresará, alegre, a los suyos.

۱۰. Pero aquél que reciba su Escritura detrás de la espalda

۱۱.

,invocará la destrucción

.pero arderá en fuego de gehena .۱۲

,Vivía alegre con los suyos .۱۳

.creyendo que no iba a volver .۱۴

.Claro que sí! Su Señor le veía bien¡ .۱۵

,Pues no! ¡Juro por el arrebol vespertino¡ .۱۶

,por la noche y por lo que congrega .۱۷

,por la luna cuando está llena .۱۸

!que habéis de pasar de uno a otro estado .۱۹

Pero ¿qué les pasa que no creen .۲۰

?y, cuando se les recita el Corán, no se prosternan .۲۱

;No! Los infieles desmienten¡ .۲۲

.pero Alá conoce bien lo que ocultan .۲۳

!Anúnciales, pues, un castigo doloroso .۲۴

.Quienes, en cambio, crean y obren bien, recibirán una recompensa ininterrumpida .۲۵

ترجمه آلمانی

.digen, des BarmherzigenنIm Namen Allahs, des Gn

;Wenn der Himmel birst .۱

,– Und seinem Herrn horcht – und (das) ist ihm Pflicht .۲

,Und wenn die Erde sich dehnt .۳

۴. Und auswirft, was in ihr ist, und leer wird;

۵. Und ihrem Herrn horcht – und (das) ist ihr Pflicht –,

۶. O Mensch, du mühst dich hart um deinen Herrn, so sollst du Ihm begegnen.

۷. Was nun den anlangt, dem sein Buch (der Rechenschaft) in seine Rechte gegeben wird,

۸. So wird er bald ein leichtes Gericht haben,

۹. Und wird frohgemut zu den Seinen zurückkehren.

۱۰. Was aber den anlangt, dem sein Buch hinter seinem Rücken gegeben wird,

۱۱. So wird er sich bald Vernichtung herbeiwünschen,

۱۲. Und wird in ein flammendes Feuer eingehen.

۱۳. Gewiك, er lebte glücklich dahin unter seinen Angehِrigen.

۱۴. Er

.er nie (zu Gott) zurückkehren würde کdachte bestimmt, da

.Ja! wahrlich, sein Herr sieht ihn wohl .۱۵

,Doch nein! Ich rufe das abendliche Zwielicht zum Zeugen .۱۶

,Und die Nacht und was sie verhüllt .۱۷

,Und den Mond, wenn er voll wird .۱۸

.ihr sicherlich von einem Zustand in den andern versetzt werden sollt کDa .۱۹

,sie nicht glauben کWas also ist ihnen, da .۲۰

?Und wenn ihnen der Koran vorgetragen wird, sie sich nicht niederwerfen .۲۱

.(ubig sind, verwerfen (ihnنIm Gegenteil, die da ungl .۲۲

.am besten, was sie verbergen کUnd Allah wei .۲۳

.Drum verkünde ihnen schmerzliche Strafe .۲۴

.Die aber, die glauben und gute Werke tun, ihrer ist unendlicher Lohn .۲۵

ترجمه ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

Quando si fenderà il cielo .۱

;e obbedirà al suo Signore e quel che deve fare farà .۲

, quando la terra sarà spianata .۳

rigetterà quello che ha in seno e si svuoterà .۴

,e obbedirà al suo Signore e quel che deve fare farà .۵

.o uomo che aneli al tuo Signore, tu Lo incontrerai .۶

٧. Quanto a colui che riceverà il suo libro nella mano destra,

٨. gli verrà chiesto conto con indulgenza,

٩. e lietamente ritornerà ai suoi .

١٠. Quanto a colui che riceverà il suo libro da dietro le spalle ,

١١. invocherà l'annientamento,

١٢. e brucerà nella Fiamma !

١٣. Si rallegrava in mezzo ai suoi ,

١٤. e pensava che mai sarebbe ritornato [ad Allah].

١٥. Invece sí, in verità il suo Signore lo

osservava

۱۶. Lo giuro per il crepuscolo,

۱۷. per la notte e per quello che essa avvolge ,

۱۸. per la luna quando si fa piena:

۱۹. invero passerete attraverso fasi successive .

۲۰. Cos'hanno dunque, che non credono

۲۱. e non si prosternano quando si recita loro il Corano ?

۲۲. I miscredenti invece tacciano di menzogna.

۲۳. Ma Allah ben conosce quel che celano.

۲۴. Annuncia loro un doloroso castigo,

۲۵. eccetto che per coloro che credono e compiono il bene: essi avranno ricompensa inesauribile.

ترجمه روسی

Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного!

۱. Когда небо раскололось,

۲. и послушалось своего Господа, и обязалось, –

۳. и когда земля растянулась

۴. и извергла то, что в ней, и опустела,

۵. и повиновалась своему Господу и обязалась...

۶. О человек! Ты стремишься к своему Господу устремлением и встретишь Его!

۷. И кому будет принесена его книга в правую руку,

۸. тот будет рассчитан расчетом легким

۹. и вернется к своей семье в радости.

۱۰. А кому будет принесена его книга из-за спины,

۱۱. тот будет звать гибель

۱۲. и гореть в огне.

۱۳. Ведь он в своей семье был радостным.

۱۴. Ведь он думал, что не вернется обратно.

۱۵. Да, ведь Господь его видит его!

۱۶. Но нет, клянусь зарею,

۱۷. и ночью, и тем, что она собирает,

۱۸. и луной, когда она полнеет,

۱۹. вы будете переходить из слоя в слой!

۲۰. Что же с ними, что они не веруют

۲۱. и, когда им читают Коран, не поклоняются?

۲۲. Да, те, которые не веруют, считают ложью!

۲۳. А Аллах лучше знает, что они таят.

۲۴. Обрадуй же их наказанием мучительным,

۲۵. кроме тех, кто уверовал и творил благие деяния, - им награда неисчислимая!

ترجمه ترکی استانبولی

Rahman ve rahîm Allah adiyle.

۱- Gk yarlp çatlaynca.

۲- Ve Rabbini dinleyip itâat ederek szünü haklaynca.

۳- Ve yeryüzü, dümdüz çekilince.

۴- Ve içindekileri atp bo alnca.

۵- Ve Rabbini dinleyip itâat ederek szünü haklaynca.

۶- Ey insan, üphe yok ki sen, Rabbine ula mak için me akkatler içinde didinir-durursun da sonunda ona kavu ursun.

۷- Ama kimin kitab, sa yanndan verilirse.

۸- Artk onun hesâb, kolayca grülür.

۹- Ve âilesinin yanna sevinç içinde dner.

۱۰- Ve ama kimin kitab, ardndan verilirse.

۱۱- O, helâk olmasn diler.

۱۲- Ve cehenneme atlr.

۱۳- قüphe yok ki o, âilesinin içinde sevinmedeydi.

۱۴- قüphe yok ki o, ldükten sonra tekrar hayâta dnmeyeceini sanrd.

۱۵- Evet, üphe yok ki Rabbi, onu grürdü.

۱۶- Andolsun gün battktan sonraki kzllًa.

۱۷- Ve geceye ve gecenin kapladklarna.

۱۸- Ve aya, dolunay olunca.

۱۹- Elbette geçeceksiniz bir halden bir hâle.

۲۰- Artk ne oldu onlara da inanmyorlar.

۲۱- Ve onlara Kur’ân okununca secde etmiyorlar?

۲۲- Hayr, kâfir olanlar, yalanlyorlar.

۲۳- Ve Allah, daha iyi bilir, gnüllerinde ne var.

۲۴- Artk müjdele onlar elemli bir azapla.

۲۵ - Ancak inananlar ve iyi i lerde bulunanlar ba ka; onlar içindir ba a kaklmyan mükâfat.

ترجمه آذربایجانی

Mərhəmətli, rəhmli Allahın adı ilə!

۱. Göy yarılacağı,

۲. Və Rəbbinin buyuruğunu haqq olaraq eşidib (Ona) itaət edəcəyi zaman;

۳. Yer uzanıb dümdüz olacağı;

۴. Qoynunda olanları bayıra atıb boşaldacağı;

۵. Və Rəbbinin buyurduğunu haqq olaraq eşidib (Ona) itaət edəcəyi zaman (insan dünyada yaxşı və pis əməllərinin cəzasını layiqincə alacaqdır)!

۶. Ey insan! Sən (ölənə qədər) Rəbbinə doğru çalışıb çabalayırsan. Sən Ona

qovuşacaqsan! (Sənin qısa ömrün gündən-günə səni

Allaha yaxınlaşdırır. ?lümün gəlib çatması Allah dərgahına qovuşmaq deməkdir. ?ləndən sonra Allahın hüzuruna gedib dünyada etdiyin yaxşı, pis əməllərin əvəzini tamamilə alacaqsan. Yaxşı əməllər etmisənsə, xoş halına. Pis əməllər etmisənsə, vay (!halına

,Kimin əməl dəftəri sağ əlinə verilmişsə .٧

Onun yüngül haqq-hesab çəkiləcək .٨

!Və o, (Cənnətdəki) ailəsinin (yaxınlarının) yanına sevinclə qayıdacaqdır .٩

,Kimin əməl dəftəri arxa tərəfdən (sol əlinə) verilmişsə .١٠

,O: "Ay öldüm!" - deyə şivən qopardacaq .١١

!Və Cəhənnəmə vasil olacaqdır .١٢

.O, (dünyada) öz ailəsi (yaxınları) arasında sevinc içində idi .١٣

Və elə zənn edirdi ki, (öləndən sonra dirilib haqq-hesab üçün Rəbbinin hüzuruna) .١٤ .qayıtmayacaqdır

Xeyr! (Onun düşündüyü kimi deyildir. O, qiyamət günü dirilib Allahın hüzuruna . ١٥ .qayıdacaqdır). Həqiqətən, Rəbbi onu görürdü

,And içirəm şəfəqə .١٦

,Gecəyə və (gecənin) qoynuna aldıqlarına .١٧

,Bədirlənməkdə olan aya ki .١٨

!Siz (ey kafirlər, qiyamət günü) haldan-hala düşəcəksiniz .١٩

?Onlara nə olub ki, iman gətirmirlər .٢٠

?zlərinə Qur'an oxunduqda səcdə etmirlər? .٢١

.Əksinə, kafir olanlar (Allahın vəhdaniyyətini və ayələrini) təkzib edirlər .٢٢

۲۳. Halbuki Allah onların (ürəklərində) gizlətdiklərini ən gözəl biləndir!

۲۴. (Ya Peyğəmbər!) Onlara (qiyamət günü düçar olacaqları) şiddətli bir əzabla müjdə ver!

۲۵. İman gətirib yaxşı əməllər edənlər istisna olmaqla! Onları (Cənnətdə) minnətsiz (tükənmək bilməyən) mükafat gözləyir!

ترجمه اردو

شروع خدا کا نام لے کر جو بڑا مہربان نہایت رحم والا ہے

۱. جب آسمان پھٹ جائے گا

۲. اور اپنے پروردگار کا فرمان بجا لائے گا اور اسے واجب بھی یہ ہی ہے

۳. اور جب زمین ہموار کر دی جائے گی

۴. جو کچھ اس میں ہے اسے نکال کر باہر ڈال دے

گی اور (بالکل) خالی ہو جائے گی

۵. اور اپنے پروردگار کے ارشاد کی تعمیل کرے گی اور اس کو لازم بھی یہی ہے (تو قیامت قائم ہو جائے گی)

۶. اے انسان! تو اپنے پروردگار کی طرف (پہنچنے میں) خوب کوشِش کرتا ہے سو اس سے جا ملے گا

۷. تو جس کا نامہ (اعمال) اس کے داہنے ہاتھ میں دیا جائے گا

۸. اس سے حساب آسان لیا جائے گا

۹. اور وہ اپنے گھر والوں میں خوش خوش آئے گا

۱۰. اور جس کا نامہ (اعمال) اس کی پیٹھ کے پیچھے سے دیا جائے گا

۱۱. وہ موت کو پکارے گا

۱۲. اور وہ دوزخ میں داخل ہو گا

۱۳. یہ اپنے اہل (و عیال) میں مست رہتا تھا

۱۴. اور خیال کرتا تھا کہ (خدا کی طرف) پھر کر نہ جائے گا

۱۵. ہاں ہاں۔ اس کا پروردگار اس کو دیکھ رہا تھا

۱۶. ہمیں شام کی سرخی کی قسم

۱۷. اور رات کی اور جن چیزوں کو وہ اکٹھا کر لیتی ہے ان کی

۱۸. اور چاند کی جب کامل ہو جائے

۱۹. کہ تم درجہ بدرجہ (رتبہ اعلیٰ پر) چڑھو گے

۲۰. تو ان لوگوں کو کیا ہوا ہے کہ ایمان نہیں لاتے

۲۱. اور جب ان کے سامنے قرآن پڑھا جاتا ہے تو سجدہ نہیں کرتے

۲۲. بلکہ کافر جھٹلاتے ہیں

۲۳. اور خدا ان باتوں کو جو یہ اپنے دلوں میں چھپاتے ہیں خوب جانتا ہے

۲۴. تو ان کو دکھ دینے والے عذاب کی خبر سنا دو

۲۵. ہاں جو لوگ ایمان لائے اور نیک عمل

کرت□ ر□□ ان ک□ لی□ بیانت□ا اجر □□

ترجمه پشتو

۱. شروع کوم د الله په نامه چ□ □□ر زیات مهربانه او پوره رحم لرونک□ د□ کله چ□ آسمان (ستوری) وچوی

۲. او د خپل پرورد□ار حکم ومنی او دا ی□ و□ د□ (آسمان سره همدا □ایی چ□ د خدای د حکم ومنی)

۳. او کله چ□ □مکه وغو□ول□ شی

۴. او چ□ کوم □ه (خزان□ او م□ی) پک□□ دی د باند□ ی□ بهر راوغور□ی (ق□ وک□ی) او □ان خالی ک□ی

۵. او د خپل پرورد□ار حکم ومنی او و□ ی□ ده (□ایی د خدای حکم ومنی)

۶. ا□ انسانه! ته په تکلیف زیار او محنت سره خپل پرورد□ار ته روان ی□ نو هغه سره به ملاقات (لیدل) وک□□

۷. پس کوم یو کس ته چ□ خپله عمل نامه په □ی لاس ک□□ ورک□□ شی

۸. نو زر به دۀ سره آسان حساب وک□ل شی

۹. او خپل□ کورن□ (اهل) ته به خوشحاله راستون شی

۱۰. او چا ته چ□ د هغه عمل نامه تر شا وروسته (په کی□ لاس ک□□) ورک□□ شی

۱۱. نو زر په خپل هلاکت فریاد وک□ی (نو زر به وایی: وای وای زۀ هلاك شوم)

۱۲. او (د دوزخ) بل اور ته به ننو□ی

۱۳. □که چ□ هغه (په دنیا ک□□) په خپله کورن□ ک□□ (په خپل کفر او □ناه) خوشحاله ؤ

۱۴. ب□شکه دۀ به دا □مان کاؤ چ□ د□ به له سره هم (الله ته) بیرته نه □ر□ی

۱۵. هو! د هغۀ خدای د هغه (د عملونو) لیدوونک□ ؤ

۱۶. پس قسم خورم په شفق (د ما□ام د سوروالی نه

وروسته د ما□□وتن سپينوال□)

۱۷. او قسم په شپه او په هغه □ۀ چ□ (شپ□ په خپل□ تيار□ ك□□) راجمع ك□ى دى

۱۸. او قسم (د □وارلسم□) د سپو□م□ كله چ□ پوره شى

۱۹. چ□ تاسو تل له يوۀ حاله بل حال ته (سوارۀ) رسي□ئ (تر د□ چ□ كمال ته ورسي□ئ)

۲۰. نو هغوى ول□ ايمان نه راو□ى؟

۲۱. او كله چ□ قرآن پر هغوى ولوستل شى نو سجده نه كوى (غا□ه نه □دى)

۲۲. بلك□ كومو كسانو چ□ كفر ك□□ د□ تل (د خداى آيتونه) دروغ □□ى

۲۳. او □ه چ□ دوى ز□ۀ ك□□ پ□وى هغه خداى ته □ه معلوم دى.

۲۴. نو دوى ته د د□ناك عذاب زير□ ورك□ه

۲۵. م□ر هغه كسان چ□ ايمان ي□ راو□□ د□ او نيك عملونه ي□ ك□ى دى هغوى لپاره داس□ اجر او ثواب د□ چ□ خلاص□ (انتها) نه لرى

ترجمه كردى

١. Bi navê Yezdanê Dilovan ê Dilovîn Gava ezman derizî.

٢. (Ezmen) ji Xuda yê xwe des¬tûr xwest (ku bi sitûxarî wekî babetî ya wî) bi gotina wî (perestî ya) wî bike.

٣. Û gava zemîn direj bûye (rast bûye).

٤. Û di hundurê (zemîn da) çi heye, hemî avêtî ye derva, îdî vala maye.

٥. Û (zemîn) ji Xuda yê xwe des¬tûr xastîye (ku bi sitûxarî wekî babetîye wî) bi gotina wî (perestî ya wî) bike.

٦. Merivo! Bi rastî tu dixebitî, ku tu herî bal Xu¬da yê xwe, îdî (tu wusa bixebit e) tu yê bigehêjî wî.

٧. Di wê gavê da îdî pirtûka kîjanî (bi destê) rastê bê danê.

.(û hêsanî bibîn e (derbasbibe

.Û ewa li bal malîne xwe da bi şahî dizvir e .٩

.Lê pirtûka kîjanî di alîyê pişta wî da hatibe daînê .١٠

.Îdî ewê ji bona xwe ra gazî teşqela bike .١١

.Ewê li bal doja pêtan da bê kişandin e .١٢

Loma ewa (di cihanê da) di nava malînê xwe da dilşabû ye (qe tiştek ji vê şapatê ne .١٣
.(dianî bîra xwe

Loma bi rastî (ewê gunehkar) guman kiribû, ku bi rastî îdî ranabe. -١١ .١۴

.Na! (bi rastî wê bêne şandinê) loma bi rastî Xuda yê wî ewî dibîne .١۵

.Ho! Bi segura sibehê .١۶

.Û bi şevê û bi wan tiştên, ku şevê di xwe da pêçaye .١٧

.Û bi hîva (çarde) şevî .١٨

.Sond dixum!) ku hûnê (bi temtilekî li bal temtêla mayî da bêne rêkxistinê) .١٩

?Îdî gelo ji bona wan (filan ra)çi bûye, ku ewan hêj bawer nakin .٢٠

Û gava ku Qur'an ji bona wan ra tê xwundinê ewan (ji bona Yezdan ra) kunde .٢١
?nabin

Lê ewanê bûne file hene! (gava Qur'an ji bona wan ra tê xwundinê) ewanan .٢٢
(Qur'an ê) didine derewdêrandinê

Yezdan bi xweber jî (ewa tişta, ku ewan filan di hundurê xwe da veşartin e) bi wan .٢٣
.çêtir dizane

.Îdî (Muhemmed!) tu ewan (fi¬lan) bi şapateke dilsoz bide mizgîndanê .٢۴

Bi tenê ewanê bawer kirine û karê aştî kirin e hene! kêryeke bêpaşî ji bona wan ra .٢٥

ترجمه اندونزی

Dan dia akan kembali kepada kaumnya (yang sama- sama beriman) dengan gembira. (٩)

Adapun orang yang diberikan

(kitabnya dari belakang,(١٠

(Maka dia akan berteriak:" Celakalah aku".(١١) (٢

(Dan dia akan masuk ke dalam api yang menyala- nyala (neraka).(١٢) (٣

Sesungguhnya dia dahulu (di dunia) bergembira di kalangan kaumnya (yang sama-
(sama kafir).(١٣) (۴

Sesungguhnya dia yakin bahwa dia sekali- kali tidak akan kembali (kepada
(Tuhannya).(١۴) (۵

(Bukan demikian), yang benar, sesungguhnya Tuhannya selalu melihatnya.(١۵) (۶)

(Maka sesungguhnya Aku bersumpah dengan cahaya merah di waktu senja,(١۶) (٧

(Dan dengan malam dan apa yang diselubunginya,(١٧) (٨

(Dan dengan bulan apabila jadi purnama,(١٨) (٩

(Sesungguhnya kamu melalui tingkat demi tingkat (dalam kehidupan).(١٩) (١٠

(Mengapa mereka tidak mau beriman,(٢٠) (١١

(Dan apabila Al Quran dibacakan kepada mereka, mereka tidak bersujud,(٢١) (١٢

(Bahkan orang- orang kafir itu mendustakan (nya).(٢٢) (١٣

Padahal Allah mengetahui apa yang mereka sembunyikan (dalam hati mereka).(٢٣)
((١۴

(Maka beri kabar gembiralah mereka dengan azab yang pedih,(٢۴) (١۵

Tetapi orang- orang yang beriman dan beramal saleh, bagi mereka pahala yang tidak
(putus- putusnya.(٢۵) (١۶

(Dengan menyebut nama Allah Yang Maha Pemurah lagi Maha Penyayang. (١٧

(Demi langit yang mempunyai gugusan bintang.(١) (١٨

(Dan hari yang dijanjikan,(٢) (١٩

(Dan yang menyaksikan dan yang disaksikan.(٣) (٢٠

(Binasa dan terlaknatlah orang- orang yang membuat parit.(۴) (٢١

(Yang berapi (dinyalakan dengan) kayu bakar,(۵) (٢٢

(Ketika mereka duduk di sekitarnya,(۶) (٢٣

Sedang mereka menyaksikan apa yang mereka perbuat terhadap orang- orang yang (beriman.(٧) (٢۴

Dan mereka tidak menyiksa orang- orang mukmin itu melainkan karena orang- orang (mukmin itu beriman kepada Allah Yang Maha Perkasa lagi Maha Terpuji,(٨) (٢۵

ترجمه مالیزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

Apabila langit

(terbelah, (١

(Serta mematuhi perintah Tuhannya, dan sudah semestinya ia patuh; (٢

(Dan apabila bumi diratakan, (٣

(Serta mengeluarkan apa yang di dalamnya, dan menjadi kosong, (٤

Serta mematuhi perintah Tuhannya, dan sudah semestinya ia patuh; - (Maka pada (saat itu tiap-tiap seorang akan mengetahui apa yang telah dilakukannya). (٥

Wahai manusia! Sesungguhnya engkau sentiasa berpenat-lelah (menjalankan keadaan hidupmu) dengan sedaya upayamu hinggalah (semasa engkau) kembali kepada Tuhanmu, kemudian engkau tetap menemui balasan apa yang engkau telah (usahakan itu (tercatit semuanya). (٦

Kemudian sesiapa yang diberi menerima surat amalnya dengan tangan kanannya, - ((٧

(Maka ia akan dihisab dengan cara yang mudah dan ringan, (٨

(Dan ia akan pergi kepada keluarganya (yang beriman) dengan sukacita. (٩

Dan sesiapa yang diberi menerima surat amalnya (dengan tangan kiri), dari sebelah (belakangnya, (١٠

(Maka ia akan meraung menyebut-nyebut kebinasaannya, (١١

(Dan ia akan menderita bakaran neraka yang marak menjulang. (١٢

Sebenarnya ia semasa di dunia dahulu bersukaria dalam kalangan keluarganya (yang (juga kufur ingkar)! (١٣

Sesungguhnya ia menyangka bahawa ia tidak sekali-kali akan kembali (kepada Kami (untuk menerima balasan) ! (١٤

Sangkaannya itu tidak betul) bahkan ia tetap kembali! Sesungguhnya Tuhannya)

(sentiasa Melihat dan Mengetahui keadaannya! (١٥

(Maka Aku bersumpah, demi mega; (١۶

(Dan malam serta segala yang dihimpunkannya; (١٧

(Dan bulan apabila (penuh cahayanya) menjadi purnama: (١٨

Sesungguhnya kamu tetap melalui beberapa keadaan yang bertingkat-tingkat baik buruknya, (sebelum kamu menemui Tuhan - menerima kesenangan dan (kebahagiaan atau sebaliknya) (١٩

(Maka apakah alasan bagi mereka bersikap tidak mahu beriman? (٢٠

Dan (apakah pula alasannya) apabila dibacakan Al-Quran kepada

(mereka, mereka tidak mahu taat dan sujud? (۲۱

Tidak ada satu alasan pun) bahkan orang-orang yang kafir, semata-mata)
(mendustakannya; (۲۲

(Sedang Allah mengetahui apa yang mereka rahsiakan dalam hati. (۲۳

(Maka khabarkanlah kepada mereka dengan azab yang tidak terperi sakitnya; (۲۴

Tetapi orang-orang yang beriman dan beramal soleh mereka beroleh pahala balasan
(yang tidak putus-putus. (۲۵

ترجمه سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

.Mbingu itakapopasuka .۱

.Na ikamtii Mola wake na ikafanya ndivyo .۲

.Na ardhi itakaponyooshwa .۳

.Na ikatupa vilivyomo na ikawa tupu .۴

.Na ikamtii Mola wake na ikafanya ndivyo .۵

Ewe Mtu! hakika wewe ni mwenye kufanya juhudi kwa Mola wako, juhudi ambayo .۶
.utaikuta

.Basi atakayepewa daftari lake katika mkono wake wa kulia .۷

.Basi atahesabiwa hesabu nyepesi .۸

.Na atarudi kwa watu wake mwenye furaha .۹

.Ama atakayepewa daftari lake nyuma ya mgongo wake .۱۰

.Basi atayaita mauti .۱۱

۱۲. Na ataingia Motoni.

۱۳. Maana yeye alikuwa anakaa katika watu wake kwa furaha.

۱۴. Hakika yeye alidhani kuwa hatarejea.

۱۵. Naam, hakika Mola wake alikuwa akimuona.

۱۶. Basi ninaapa kwa wekundu wa jua linapokuchwa.

۱۷. Na kwa usiku na unavyovikusanya.

۱۸. Na kwa mwezi unapokomaa.

۱۹. Mtakutana na hali baada ya hali.

۲۰. Basi wana nini hawaamini?

۲۱. Na wanaposomewa Qur'an hawanyenyekei.

۲۲. Lakini wale waliokufuru wanakadhibisha.

۲۳. Na Mwenyeezi Mungu, anajua zaidi wanayoyakusanya.

۲۴. Basi wape khabari ya adhabu yenye kuumiza.

۲۵. Isipokuwa wale walioamini wakatenda vitendo vizuri, watapata malipo mema yasiyokoma.

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

صفحه ی ۳۹۸

(۸۴) سوره انشقاق مکی است و بیست و پنج آیه دارد (۲۵)

[سوره الانشقاق (۸۴): آیات ۱ تا ۲۵] ترجمه آیات به نام خدا صاحب رحمت محدود و رحمت نامحدود.

وقتی آسمان بشکافد (۱).

و فرمان پروردگارش را گوش می دهد و سزاوار شنیدن و امین پروردگارش می شود (۲).

و زمـــــــانی کـــــــه زمیـــــــن بـــــــا از بیـــــــن رفتـــــــن پســـــــتی و بلنـــــــدی هـــــــا فراخ می گردد (۳).

صفحه ی ۳۹۹

و آنچه در جوف دارد بیرون انداخته، خود را تهی

می سازد (۴).

و تسلیم فرمان پروردگارش می گردد و سزاوار خطاب و امین او می گردد (۵).

هان ای انسان! تو در راه پروردگارت تلاش می کنی و بالأخره او را دیدار خواهی کرد (۶).

در آن روز کسی که نامه اش را به دست راستش دهند (۷).

به زودی خواهد دید که حسابی آسان از او می کشند (۸).

و خوشحال و خندان به سوی همفکرانش برمی گردد (۹).

و اما کسی که نامه اعمالش را از پشت سرش بدهند (۱۰).

به زودی فریاد واویلایش بلند می شود (۱۱).

و در آتش بسوزد (۱۲).

آری او در دنیا نزد همفکرانش مسرور بود (۱۳).

او می پنداشت که هرگز نزد ما برنمی گردد (۱۴).

بلی پروردگارش به وضعش بینا بود (۱۵).

(هر چند حاجتی به سوگند نیست لیکن) سوگند به شفق (۱۶).

و سوگند به شب و آنچه بپوشاند (۱۷).

و سوگند به ماه شب چهاردهم که همه جوانبش نورانی می شود (۱۸).

که به زودی بعد از مرگ عوالمی را سیر خواهید کرد (۱۹).

پس چه می شود ایشان را که ایمان نمی آورند؟ (۲۰).

و چون قرآن خوانده می شود خاضع نمی گردند؟ (۲۱).

(و این به خاطر آن نیست که بیان دعوت کننده قاصر باشد) بلکه کسانی که کافر شدند تکذیب خوی ایشان شده است (۲۲).

و خدا می داند که در دل چه چیز پنهان دارند (۲۳).

پس ایشان را به عذاب سخت بشارت ده (۲۴).

مگر آنهایی که ایمان بیاورند عمل های صالح کنند که اجری بی منت و قطع ناشدنی دارند (۲۵).

بیان آیات این سوره به قیام قیامت اشاره نموده، بیان می کند که برای انسان سیری است به سوی پروردگارش، او در این مسیر هست تا پروردگارش را دیدار کند، و خدای تعالی به مقتضای

____ صفحه ی ۴۰۰

نامه عملش به حسابش برسد، و در این آیات این

مطالب را تاکید می کند، و آیات مربوط به تهدیدش از آیات بشارتش بیشتر است، و سیاق آیات آن شهادت می دهد که این سوره در مکه نازل شده.

" إِذَا السَّماءُ انْشَقَّتْ" جمله ای است شرطیه که جزایش حذف شده، که با بودن جمله" یا أَیُّهَا الْإِنْسانُ إِنَّکَ کادِحٌ إِلی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقِیهِ" احتیاجی به ذکر آن نبود، و تقدیر آن:" اذا السماء انشقت لاقی الانسان ربه فیحاسبه و یجازیه علی ما عمل- وقتی آسمان شکافته شد انسان پروردگارش را ملاقات می کند، و پروردگارش طبق اعمالی که کرده به حساب و جزای او می پردازد" می باشد.

و" انشقاق آسمان" به معنای از هم گسیختن و متلاشی شدن آن است و این خود یکی از مقدمات قیامت است، و همچنین" مد أرض" که در آیه سوم آمده و همچنین سایر علامتهایی که ذکر شده، چه در این سوره و چه در سایر کلمات قرآن از قبیل تکویر شمس، اجتماع شمس و قمر، فرو ریختن کواکب، و امثال آن.

[معنای اینکه در بیان چند تا از مقدمات قیامت فرمود آسمان منشق و زمین کشیده می شود و فرمود:" وَ أَذِنَتْ لِرَبِّها وَ حُقَّتْ"]

" وَ أَذِنَتْ لِرَبِّها وَ حُقَّتْ" ممکن است بپرسی" اذن دادن آسمان به خدا" چه معنا دارد؟ در پاسخ می گوییم کلمه" اذن" در اصل لغت به معنای اجازه دادن نیست، بلکه به معنای گوش دادن است، و گوش دادن را هم که" اذن" نامیده اند تعبیری است مجازی از انقیاد و اطاعت، و کلمه" حقت" به معنای آن است که آسمان در شنیدن و اطاعت فرمانهای خدا حقیق و سزاوار می شود.

و معنای آیه این است که آسمان مطیع و منقاد پروردگارش گشته، حقیق

و سزاوار شنیدن و اطاعت فرامین پروردگارش می گردد.

" وَ إِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ " ظاهرا منظور از کشیده شدن زمین گشاد شدن آن است، هم چنان که در جای دیگر فرمود: " یَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَیْرَ الْأَرْضِ " «۱».

" وَ أَلْقَتْ ما فِیها وَ تَخَلَّتْ " یعنی زمین آنچه از مردگان در جوف دارد بیرون می اندازد، و خود را از آنچه دارد تهی می سازد.

بعضی «۲» گفته اند: مراد بیرون انداختن مرده ها و گنج ها است کما اینکه خداوند فرموده: " وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقالَها ".

---

(۱) روزی که زمین به زمینی دیگر مبدل می شود. سوره ابراهیم، آیه ۴۸.

(۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۶۰.

ولی بعضی «۱» گفته اند: معنایش این است که: آنچه در بطن خود دارد بیرون می اندازد و خود را تهی می کند از آنچه از کوه ها و دریاها که در پشت خود دارد. و شاید وجه اول به ذهن نزدیک تر باشد.

" وَ أَذِنَتْ لِرَبِّها وَ حُقَّتْ " ضمیرهای مؤنث همه به کلمه " أرض " برمی گردد، هم چنان که ضمیرهای مشابهی که در آیه قبلی بود به کلمه " سماء " برمی گشت، و معنای آیه گذشت.

[مفاد آیه: " یا أَیُّهَا الْإِنْسانُ إِنَّکَ کادِحٌ إِلی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقِیهِ " و دلالت آن بر بعث و جزا]

" یا أَیُّهَا الْإِنْسانُ إِنَّکَ کادِحٌ إِلی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقِیهِ " راغب گفته کلمه " کدح " به معنای تلاش کردن، و خسته شدن است «۲». پس در این کلمه معنی سیر است. و بعضی «۳» گفته اند: " کدح " تلاش نفس است در انجام کاری تا اینکه آثار تلاش در نفس نمایان گردد. و بنا بر این، در این کلمه معنای سیر هم خوابیده، به دلیل اینکه با کلمه " الی " متعدی شده، پس معلوم می شود که در کلمه "

کدح" در هر حال معنای سیر خوابیده.

و جمله" فملاقیه" عطف است بر کلمه" کادح"، و با این عطف بیان کرده که هدف نهایی این سیر و سعی و تلاش، خدای سبحان است، البته بدان جهت که دارای ربوبیت است، یعنی انسان بدان جهت که عبدی است مربوب و مملوک و مدبر، و در حال تلاشش به سوی خدای سبحان است دائما در حال سعی و تلاش و رفتن بسوی خدای تعالی است، بدان جهت که رب و مالک و مدبر امر اوست، چون عبد برای خودش مالک چیزی نیست، نه اراده و نه عمل، پس او باید اراده نکند مگر آنچه که پروردگارش اراده کرده باشد، و انجام ندهد مگر آنچه را که او دستور داده باشد، پس بنده در اراده و عملش مسئول خواهد بود.

از اینجا معلوم شد اولا: جمله" إِنَّكَ كادِحٌ إِلى رَبِّكَ" خود حجتی است بر معاد، برای اینکه توجه فرمودی ربوبیت خدای تعالی تمام نمی شود مگر با عبودیت بندگان، و عبودیت هم تصور ندارد مگر با بودن مسئولیت، و مسئولیت هم تمام نمی شود مگر با برگشتن به سوی خدا و حساب اعمال، این نیز تمام نمی شود مگر با بودن جزا.

و ثانیا: معلوم شد منظور از ملاقات پروردگار منتهی شدن به سوی او است، یعنی به جایی که در آن هیچ حکمی نیست جز حکم او، و هیچ مانعی نیست که بتواند از انفاذ

---

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۶۰.

(۲) مفردات راغب، ماده" کدح".

(۳) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۷۹.

حکمش جلوگیری کند.

و ثالثا: اینکه مخاطب در این آیه انسان است اما نه از هر جهت، بلکه از همین جهت

که انسان است، پس مراد از این کلمه جنس انسان است، برای اینکه ربوبیت خدای تعالی عام است و شامل همه چیز و همه انسانها می شود.

[مقصود از اینکه فرمود کتابش به دست راست داده شود شادمان به سوی" اهل" خود باز می گردد]

" فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتابَهُ بِيَمِينِهِ" کلمه" أما" همواره مطالب اجمالی را تفصیل می دهد، در اینجا اجمالی را تفصیل می دهد که از عبارت" إِنَّكَ كادِحٌ إِلى رَبِّكَ" استفاده می شد، و آن این بود که در این میان رجوع و بازخواستی از اعمال، و حساب و جزایی هست، آن گاه این اجمال را تفصیل می دهد و می گوید: اما آنهایی که در آن روز نامه اعمالشان را به دست راستشان می دهند چنین و چنان می شوند، و منظور از کتاب، نامه عمل است، به دلیل اینکه دنبالش مساله حساب را ذکر کرده، و ما در سابق دادن کتاب به دست راست و یا به دست چپ را در سوره اسراء و سوره الحاقه معنا کردیم.

" فَسَوْفَ يُحاسَبُ حِساباً يَسِيراً"" حساب یسیر" آن حسابی است که در آن سهل انگاری شود نه سختگیری.

" وَ يَنْقَلِبُ إِلى أَهْلِهِ مَسْرُوراً" مراد از" اهل" أنیس هایی است که خدا برای او در بهشت آماده کرده، مانند حور و غلمان و غیره، و این معنا از سیاق استفاده می شود.

ولی بعضی «۱» گفته اند: مراد از آن، عشیره مؤمن او هستند، که مانند او داخل بهشت شده اند.

بعضی «۲» دیگر گفته اند: عموم مؤمنین بهشتی هستند، هر چند که عشیره و خویشاوند او نباشند، چون مؤمنین همه با هم برادرند. ولی این دو قول خالی از بعد نیست.

" وَ أَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتابَهُ وَراءَ ظَهْرِهِ" کلمه" وراء" ظرف

است، و اگر منصوب شده بخاطر این بوده که حرف جری که بر سر آن باید باشد حذف شده، چون تقدیر آن" من وراء" بوده، و بعید نیست که اگر نامه عملشان از پشت سرشان داده می شود به خاطر این است که در آن روز صورتشان به عقب بر می گردد، هم چنان که در جای دیگر فرموده:

(۱ و ۲) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۸۰.

" مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهاً فَنَرُدَّها عَلى أَدْبارِها" «۱».

در اینجا ممکن است بگویی دادن نامه عمل کفار از پشت سر منافات دارد با آیات دیگری که می فرماید: نامه آنان را به دست چپشان می دهند، مانند آیه" وَ أَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتابَهُ بِشِمالِهِ فَيَقُولُ يا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتابِيَهْ" «۲»، و لیکن بین این دو دسته آیات منافاتی نیست، (چون در سابق هم خاطرنشان کردیم که مواقف روز قیامت یک موقف و دو موقف نیست)، و ان شاء اللَّه در بحث روایتی آینده روایاتی در معنای دادن نامه عمل از پشت سر کفار خواهد آمد.

" فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُوراً" کلمه" ثبور" مانند کلمه" ویل" به معنای هلاکت است، و دعای ثبور خواندنشان به این معنا است که می گویند:" وا ثبورا" مثل اینکه می گوییم:" واویلا".

" وَ يَصْلى سَعِيراً" یعنی داخل آتشی می شود و یا حرارتش را تحمل می کند که در حال زبانه کشیدن است، آتشی است که نمی توان گفت چقدر شکنجه آور است.

[رد پندار آن کس که نامه اعمالش از پشت سر به او داده می شود و در دنیا در" اهل" خود مسرور بود و می پنداشت به سوی خدا و برای حساب بازگشتی ندارد]

" إِنَّهُ كانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُوراً" او در

میان اهلش مسرور بود، و از مال دنیا که به او می رسید خوشحال می شد، و دلش به سوی زینت های مادی مجذوب می گشت، و همین باعث می شد که آخرت از یادش برود، و خدای تعالی انسان را در این خوشحال شدن مذمت کرده، و آن را فرح بیجا و بغیر حق دانسته، می فرماید:" ذلِكُمْ بِما كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِما كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ" «۳».

" إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ" یعنی گمان می کرد برنمی گردد، و مراد برگشتن به سوی پروردگارش برای حساب و جزا است. و این پندار غلط هیچ علتی به جز این ندارد که در گناهان غرق شدند، گناهانی که آدمی را از امر آخرت باز می دارد و باعث می شود انسان آمدن قیامت را امری بعید بشمارد.

" بَلى إِنَّ رَبَّهُ كانَ بِهِ بَصِيراً" این جمله پندار مذکور را رد می کند و می فرماید مساله بدین قرار که او پنداشته (که بر

---

(۱) پیش از آنکه صورتهایی را محو کنیم و سپس به پشت سر بازگردانیم. سوره نساء، آیه ۴۷.

(۲) اما کسی که نامه اعمال او به دست چپش داده شده می گوید: ای کاش هرگز نامه اعمالم به من داده نمی شد. سوره الحاقه، آیه ۲۵.

(۳) این بخاطر آن تفریح هایی است که در زمین بناحق می کردید و برای آن خوشی های نارواست که داشتید. سوره مؤمن، آیه ۷۵.

نمی گردد) نیست، بلکه برمی گردد. و جمله" إِنَّ رَبَّهُ كانَ بِهِ بَصِيراً" رد پندار مذکور را تعلیل می کند، به این بیان که خدای سبحان از ازل رب و مالك و مدبر امر او بود، و احاطه علمی به او داشت و هر چه او می کرد می دید و وی را

بـه تکـالیفی مکلـف کرده، جزای خیر و شـری هم در برابر اعمـال خیر و شـرش معین کرده بـود، پس او بطـور مسـلم به سـوی پروردگارش بر می گردد، و جزایی را که در برابر اعمالش مستحق شده می بیند.

با این بیان روشن می شود که جمله" إِنَّ رَبَّهُ کانَ بِهِ بَصِیراً" از باب حجت آوردن بر وجوب معاد است، نظیر آنچه که در آیه" إِنَّکَ کادِحٌ إِلی رَبِّکَ ..." گذشت.

و نیز از مجموع آیات نه گانه به دست می آید که دادن نامه اعمال و نشـر آن، همه قبل از حساب انجام می شود، هم چنان که از آیه زیر نیز این معنا برمی آیـد" وَ کُلَّ إِنسانٍ أَلْزَمْناهُ طائِرَهُ فِی عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ کِتاباً یَلْقاهُ مَنْشُوراً اقْرَأْ کِتابَکَ کَفی بِنَفْسِکَ الْیَوْمَ عَلَیْکَ حَسِیباً" «۱».

[جوابی که به این سؤال و اشکال داده شده که مؤمنان گنهکار در زمره" مَنْ أُوتِیَ کِتابَهُ بِیَمِینِهِ" هستند یا" مَنْ أُوتِیَ کِتابَهُ وَراءَ ظَهْرِهِ"؟]

این را هم بایـد بـدانیم که این آیـات بطوری که ملاحظه می کنیـد دادن نـامه از پشت سـر را مختص به کفـار دانسـته، ناگزیر گناهکاران از مؤمنین، مورد بحث قرار می گیرند که آیا از آنهایی هسـتند که نامه اعمالشان به دست راسـتشان داده می شود و یـا از آنهـایی که نـامه شان از پشت سـر داده می شود؟ آنچه از روایات شـیعه و سـنی برمی آیـد این است که این طایفه داخل دوزخ می شونـد و زمـانی در آنجا عـذاب می بیننـد، سـپس با شـفاعت شـفیعان از دوزخ نجات می یابنـد، پس این طایفه جزو طایفه دوم نیستند، چون گفتیم آیه شریفه تنها کفار را جزو آن طایفه دانسته، از سوی دیگر جزو طایفه اول هم که نامه شان را

به دست راستشان می دهند نیستند، چون آیات ظهور در این دارد که اصحاب یمین حسابی آسان پس داده و سپس داخل بهشت می شوند، این را هم نمی توان گفت که گنه کاران از مؤمنین اصلا نامه عملی ندارند، برای اینکه آیه شریفه" وَ كُلَّ إِنسانٍ أَلْزَمْناهُ طائِرَهُ فِی عُنُقِهِ"، تصریح دارد که بطور کلی هر انسانی نامه اعمالی دارد.

بعضی «۲» از مفسرین برای اینکه خود را از این اشکال خلاص کنند گفته اند:

گنه کاران بعد از خروج از آتش جزو اصحاب یمین می شوند، و نامه شان را به دست

(۱) سرنوشت هر انسانی را به گردنش انداخته ایم، و روز قیامت کتابی برایش درمی آوریم که آن را باز، و گویا می بیند، و به او می گوییم نامه عملت را بخوان که امروز خودت برای حساب رسی خود کافی هستی. سوره اسری، آیه ۱۴.

(۲) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۸۰.

راستشان می دهند.

لیکن این توجیه درست نیست، زیرا ظاهر آیات (اگر نگوییم صریح آن) این است که: داخل آتش و یا بهشت شدن نتیجه ای است که بر داوری دستگاه الهی مترتب می شود، و داوری نتیجه حساب است که برداشتن نامه عمل مترتب می شود، تا چندی که نامه های اعمال را به دست صاحبانش نداده اند حساب معنا ندارد، و تا حساب تمام نشود داوری معنا ندارد، و تا داوری نشود داخل بهشت و یا دوزخ شدن معنا ندارد.

بعضی «۱» دیگر احتمال داده اند نامه اعمال اهل کبائر از مؤمنین را به دست چپ آنان بدهند، و از پشت سر دادن مخصوص کفار باشد که آیات هم همین را افاده می کند.

این وجه نیز درست به نظر نمی رسد، برای اینکه آیاتی که راجع به اصحاب شمال سخن می گوید:-

مانند آیات سوره واقعه و الحاقه و تا حدودی سوره اسراء- این خصیصه را مختص به کفار دانسته، و از مجموع آیاتی که در این باب هست استفاده می شود کسانی که نامه اعمالشان به دست چپشان داده می شود، همانهایند که نامه هایشان از پشت سر داده می شود، پس این وجه هم اشکال را برطرف نمی کند.

بعضی «۲» دیگر گفته اند: ممکن است گنه کاران هم نامه هایشان به دست راستشان داده شود، و خلاصه اصحاب یمین دو طایفه باشند، یکی بی گناهان، و یکی گنه کاران، آن گاه خصوصیتی را که در جمله "فَسَوْفَ یُحاسَبُ حِساباً یَسِیراً" برای آنان آورده مختص به بی گناهان باشد، و هر دو طایفه را با صفت یک طایفه توصیف کرده باشد.

این وجه نیز درست نیست، برای اینکه هر چند توصیف کل به صفت بعض مجازا در بعضی موارد جایز است، لیکن مقام آیات که مقام جداسازی سعدا از اشقیا و مشخص کردن پاداش و کیفر هر یک از آن دو است، اجازه چنین مجازگویی را نمی دهد، پس هیچ مجوزی نیست که جمعی از اهل عذاب را داخل در اهل بهشت کند.

علاوه بر این جمله "فَسَوْفَ یُحاسَبُ ..." وعده جمیلی است که معنا ندارد وعده خدا شامل غیر مستحقین هم بشود، هر چند بطور مجاز و به ظاهر کلام.

بله ممکن است صاحبان این توجیه را کمک کنیم، و بگوییم "یسر" و "عسر" دو معنای نسبی است، و بر این حساب می توان گفت حساب گنه کاران هم آسان است، چون ______________

(۱ و ۲) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۸۱.

دشواری حساب کفار را که تا ابد در آتشند ندارد، هر چند که نسبت به حساب مؤمنین

با تقوی دشوار است.

و نیز ممکن است گفته شود تقسیم اهل محشر به اصحاب یمین و اصحاب شمال، تقسیمی کلی نیست که تمامی افراد و حتی مؤمنین گنه کار را هم شامل شود، هم چنان که می بینیم در آیه" وَ کُنْتُمْ أَزْواجاً ثَلاثَهً فَأَصْحابُ الْمَیْمَنَهِ ما أَصْحابُ الْمَیْمَنَهِ وَ أَصْحابُ الْمَشْئَمَهِ ما أَصْحابُ الْمَشْئَمَهِ وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ" «۱» اهل محشر را سه طایفه کرده، و بنا بر این، مثل اینکه در آیات مورد بحث طایفه سوم در سوره بقره یعنی مقربین خارج از تقسیمند، هم چنان که از آیه" وَ آخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا یُعَذِّبُهُمْ وَ إِمَّا یَتُوبُ عَلَیْهِمْ" «۲»، نیز استفاده می شود، مستضعفین نیز از این تقسیم خارجند.

پس ممکن است بگوییم آیات مورد بحث که اهل جمع را تقسیم به دو قسم اصحاب یمین و اصحاب شمال می کند، منظورش تمامی اهل جمع نیست تا مقربین و مستضعفین و کفار و مؤمنین گنه کار را شامل شود، بلکه می خواهد تنها اهل بهشت و مخلدین در آتش را ذکر نموده، اولی را به اصحاب یمین و دومی را به اصحاب شمال توصیف کند، چون مقام، مقام دعوت کفار است به ایمان، و دعوت گنه کاران است به تقوی، در چنین مقامی مقربین و مستضعفین اصلا مورد نظر نیستند.

نظیر این بحث در سوره مرسلات گذشت، که اول یوم الفصل را به میان می آورد و سپس به حال متقین و مکذبین می پردازد، و متعرض حال سایر طوایف نمی شود. باز نظیر آنچه در سوره" نبا" و" نازعات" و" عبس" و" انفطار" و" مطففین" و غیره آمده، پس غرض در این مقامات ذکر نمونه ای از اهل ایمان و اطاعت، و

اهل کفر و تکذیب است، و از طوایف دیگر ساکت است، تا بفهماند که سعادت در جانب تقوی، و شقاوت در جانب تمرد و طغیان است.

" فَلا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ " کلمه " شفق " به معنای سرخی و بالای آن زردی و روی آن سفیدی است، که در

---

(۱) و شما به سه گروه تقسیم خواهید شد نخست اصحاب میمنه و چه اصحاب میمنه ای؟ گروه دیگر اصحاب شومند و چه اصحاب شومی؟ و سومین گروه پیشگامان پیشگام (هستند که) آنها مقربانند. سوره واقعه، آیه ۷- ۱۱.

(۲) گروهی دیگر واگذار به فرمان خدا شده اند یا آنها را مجازات می کند و یا توبه آنها را می پذیرد. سوره توبه، آیه ۱۰۶.

کرانه افق در هنگام غروب خورشید پیدا می شود.

" وَ اللَّيْلِ وَ ما وَسَقَ " کلمه " وسق " فعل ماضی است، و معنای جمع شدن چند چیز متفرق را می دهد، می فرماید به شب سوگند، که آنچه در روز متفرق شده جمع می کند، انسانها و حیوانها که هر یک به طرفی رفته اند، در هنگام شب دور هم جمع می شوند.

بعضی «۱» هم کلمه " وسق " را به معنای طرد گرفته، آیه را چنین معنا کرده اند: " به شب سوگند که ستارگان را از خفاء به ظهور می اندازد ".

" وَ الْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ " یعنی به قمر سوگند، وقتی که نورش جمع می شود، نور همه اطرافش بهم منضم می شود، و به صورت ماه شب چهارده درمی آید.

[معنای آیه: " لَتَرْكَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ "]

" لَتَرْكَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ " این آیه جواب همه سوگندهای قبلی است، و خطاب در آن به مردم است، و کلمه " طبق " به معنای چیزی و یا حالی است که مطابق چیز دیگر و یا حال دیگر باشد، چه

اینکه یکی بالای دیگری قرار بگیرد و چه نگیرد، (بلکه پهلوی هم باشند) و به هر حال منظور مراحل زندگی است که انسان آن را در تلاشش به سوی پروردگارش طی می کند، مرحله زندگی دنیا و سپس مرحله مرگ و آن گاه مرحله حیات برزخی، (و سپس مرگ در برزخ و هنگام دمیدن صور) و در آخر انتقال به زندگی آخرت و حساب و جزا.

و این سوگندها هم تاکید مضمون" یا أَیُّهَا الْإِنْسانُ إِنَّکَ کادِحٌ ..." و آیات بعد است که خبر از بعث می دهد، و هم زمینه چینی است برای آیه" فَما لَهُمْ لا یُؤْمِنُونَ" که از در تعجب و به منظور توبیخ می فرماید:" پس چه می شود ایشان را که ایمان نمی آورند؟" و هم برای آیه" فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ ..." که مشتمل است بر تهدید و بشارت.

و در این آیه اشاره ای است به اینکه مراحلی که انسان در مسیرش به سوی پروردگارش طی می کند، مراحلی مترتب و با یکدیگر متطابق است.

" فَما لَهُمْ لا یُؤْمِنُونَ وَ إِذا قُرِئَ عَلَیْهِمُ الْقُرْآنُ لا یَسْجُدُونَ" گفتیم: این استفهام برای برانگیختن تعجب شنونده از ایمان نیاوردن کفار و توبیخ خود کفار است، و به همین جهت مناسب بود که از خطاب آیه قبل" ترکبن" به غیب" فما

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۶۱.

لهم" التفات شود، گویا وقتی دید که کفار با تذکر او متذکر نمی شوند و با اندرز او پند نمی گیرند، روی از ایشان بگردانید، و روی سخن را متوجه رسول خدا (ص) کرده، او را مخاطب قرار داد، و فرمود:" پس چه می شود ایشان را ...".

[معنای جمله:" وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِما یُوعُونَ"]

" بَلِ الَّذِینَ کَفَرُوا یُکَذِّبُونَ

وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِما يُوعُونَ" کلمه" یکذبون" (بخاطر اینکه مضارع است) استمرار را می رساند، و اگر از آنان به" الَّذِينَ كَفَرُوا" تعبیر کرد برای این بود که بر علت تکذیب دلالت کند، و کلمه" یوعون" (مضارع از مصدر" ایعاء" است)- و بطوری که گفته شده «۱»- به معنای قرار دادن چیزی در وعاء- ظرف- است.

و معنای آیه این است که: اینان اگر ایمان را ترک گفتند برای آن نبوده که بیان دعوت کننده به ایمان، قاصر و یا دلیلش کند بوده، بلکه برای این بوده که کفار پایبند سنت گذشتگان و رؤسای خویشند، و همین باعث شده که کفر در دلهایشان رسوخ کند، و به کار تکذیب خود ادامه دهند، و خدا بدانچه در سینه های خود جمع کرده اند و کفر و شرکی که در دلهای خود پنهان نموده اند آگاه است.

بعضی «۲» گفته اند: مراد از جمله" وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِما يُوعُونَ" این است که کفار علاوه بر تکذیب، نیات سویی هم در دلهای خود پنهان دارند که مردم از آن آگاهی ندارند، و تنها خدای تعالی بدان آگاه است. ولی این معنا از نظر سیاق بعید است.

" فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِيمٍ" در این جمله (و در موارد بسیار دیگر) خدای تعالی تهدید به عذاب را تعبیر فرموده به مژده به عذاب، و این از باب تهکم و استهزاء است، و چون در ابتدای جمله حرف" فاء" آمده، می فهماند این تهدید نتیجه تکذیب است.

" إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ" این استثنا به اصطلاح استثنای منقطع است، یعنی داخل در مستثنی منه نبوده، تا خارج شود، چون مستثنی منه آن ضمیر در" فبشرهم" است

که به کفار تکذیب گر بر می گردد، و" کسانی که ایمان آورده اعمال صالح می کنند" جزو آنان نبودند تا با استثنا خارج شوند، و مراد از اینکه فرمود" اجرشان ممنون نیست" این است که به دنبال دادن اجر، بر آنان منت نمی گذارند، و با منت، آن اجر را سنگین و ناگوار نمی سازند.

---

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۶۲.

(۲) روح المعـــــــانی، ج ۳۰، ص ۸۴.

بحث روایتی [(روایاتی در باره محاسبه اعمال در قیامت، نزول آیه:" فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتابَهُ ..."،" لَتَرْكَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ" و ...)]

در تفسیر قمی در ذیل آیه" إِذَا السَّماءُ انْشَقَّتْ" آمده که: منظور روز قیامت است «۱».

و در الدر المنثور است که ابن ابی حاتم، از علی (ع) نقل کرده که گفت:

آسمان از" مجره" (کهکشان) شکافته می شود «۲».

و در تفسیر قمی در ذیل آیه" وَ إِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ وَ أَلْقَتْ ما فِيها وَ تَخَلَّتْ" آمده که:

زمین کشیده می شود، سپس می شکافد و انسانها از شکمش بیرون می آیند «۳».

و در الدر المنثور است که حاکم به سندی خوب و معتبر از جابر از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرموده: زمین در روز قیامت کشیده می شود، آن طور که چرم کشیده می شود تازه آن قدر انسان محشور می شود که برای هر یک نفر بیش از جای دو پایش محل نیست «۴».

و در احتجاج از علی (ع) روایت کرده که در حدیثی فرمود: و مردم آن روز صفات و منزلهایی دارند: بعضی از مردم مشغول حساب پس دادن هستند، و به حسابشان آسان می رسند و به خوشی و مسرت به سوی اهلشان می روند. و بعضی هستند که اصلا بدون حساب داخل بهشت می شوند،

برای اینکه در دنیا کاری به لذائذ آن نداشتند و خلاصه دست و دامنشان آلوده نشده چون در آن روز به حساب از کسانی می رسند که مال دنیا را زیر و رو کرده باشند. بعضی دیگر هستند که در خرد و کلان حسابشان می رسند، و در آخر هم به سوی آتش بازمی گردند «۵».

و در معانی الأخبار به سند خود از ابن سنان از امام ابی جعفر (ع) روایت آورده که فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: همه حساب پس می دهند و همه عذاب می شوند. شخصی عرضه داشت: یا رسول اللَّه پس آیه "فَسَوْفَ یُحاسَبُ حِساباً یَسِیراً- به زودی حساب می شود، حسابی آسان" چه می شود؟ فرمود: این آیه راجع به عرض است ______________

(۱) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۱۲، ط نجف.

(۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۲۹.

(۳) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۱۲.

(۴) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۲۹.

(۵) احتجاج، ج ۱، ص ۳۶۴، ط نجف.

یعنی بررسی ابتدایی برای تشخیص اینکه وی از کدام طبقه است، از آنها که باید به حساب خرد و کلانشان رسید یا آنها که بی حساب داخل بهشت می شوند «۱».

مؤلف: در الدر المنثور هم از بخاری و مسلم و ترمذی و دیگران، از عایشه نظیر آن را روایت کرده «۲».

و در تفسیر قمی و در روایت ابی الجارود از امام باقر (ع) آمده که در تفسیر آیه "فَأَمَّا مَنْ أُوتِیَ کِتابَهُ بِیَمِینِهِ" فرمود: این آیه راجع به ابو سلمه عبد اللَّه بن عبد الأسود بن هلال مخزومی نازل شده، که مردی از قبیله بنی مخزوم بود. و اما آیه "وَ أَمَّا مَنْ أُوتِیَ کِتابَهُ وَراءَ ظَهْرِهِ"، درباره برادرش أسود

بن عبد الأسود مخزومی نازل شده که حمزه او را در جنگ بدر به قتل رسانید «۳».

و در مجمع البیان در تفسیر آیه" لَتَرْكَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ" می گوید: بعضی گفته اند:

معنایش شدت بعد از شدت است، یعنی حیات، و سپس مرگ، و بعد از آن بعث، و سپس جزا. و این معنا در روایتی که راویان وسط آن ذکر نشده آمده است «۴».

و از جوامع الجامع نقل شده که در تفسیر این آیه گفته: و از ابی عبید نقل شده که گفته معنایش این است که شما همان احوالی را به خود می گیرید و دارای همان سنت هایی می شوید که امت های قبل از شما داشتند. و این معنا از امام صادق (ع) رسیده است «۵».

---

(۱) معانی الاخبار، ص ۲۶۲.

(۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۲۹.

(۳) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۱۲.

(۴) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۶۲.

(۵) جوامع الجامع، ص ۵۱۳.

تفسیر نمونه

سوره انشقاق

مقدمه

این سوره در ((مکه)) نازل شده و دارای ۲۵ آیه است

محتوای سوره انشقاق و فضیلت تلاوت آن

این سوره مانند بسیاری از سوره های جزء اخیر قرآن مجید از مباحث معاد سخن می گوید، در آغاز اشاراتی به حوادث هولناک و تکاندهنده پایان جهان و شروع قیامت می کند، و در مرحله بعد به مساءله رستاخیز و حساب اعمال نیکوکاران و بدکاران ، و سرنوشت آنها، و در مرحله سوم به بخشی از اعمال و اعتقاداتی که موجب عذاب و کیفر الهی می شود، و در مرحله چهارم بعد از ذکر سوگندهایی به مراحل سیر انسان در مسیر زندگی دنیا و آخرت اشاره می کند و سرانجام در مرحله پنجم باز سخن از اعمال نیک

و بد و کیفر و پاداش آنها است .

در فضیلت تلاوت این سوره در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) می خوانیم : من قراء سوره انشقت اعاذه الله ان یؤ تیه کتابه وراء ظهره : ((کسی که سوره انشقاق را بخواند خداوند او را از اینکه در قیامت نامه اعمالش به پشت سرش داده شود در امان می دارد))! <۱>

و در کتاب ((ثواب الاعمال)) از امام صادق (علیه السلام) آمده است که ((هر کس این دو سوره (سوره انفطار و سوره انشقاق) را بخواند و در نماز فریضه و نافله برابر چشمش قرار دهد خداوند او را به خواسته هایش می رساند، و چیزی میان او و خدا حائل نمی شود و پیوسته او به (لطف) خداوند نظر می کند و خداوند به او، تا از حساب مردم فارغ شود)). <۲>

تفسیر :

تلاشی پر رنج به سوی کمال مطلق

همانگونه که در شرح محتوای سوره گفتیم در آغاز این سوره نیز اشاره به حوادث عظیم و عجیب پایان جهان اشاره شده می فرماید:

((در آن هنگام که آسمان شکافته شود)) (و اجرام و کرات آسمانی متلاشی گردد، و نظام کواکب برهم خورد) (اذا السماء انشقت). <۳>

نظیر آنچه در سوره ((انفطار)) آمده که می فرماید: اذا السماء انفطرت و اذا الکواکب انتثرت : ((در آن زمان که آسمان (و کرات آسمانی) شکافته و ستارگان پراکنده شوند و فرو ریزند)) (انفطار ۱ و ۲).

و این اعلام پایان دنیا و خرابی و فنای آن است .

سپس می افزاید: ((و تسلیم فرمان پروردگارش شود و

سزاوار است چنین باشد)) (و اذنت لربها و حقت).

مبادا تصور شود که آسمان با آن عظمت کمترین مقاومتی در مقابل این فرمان الهی می کند، او همچون بنده مطیع و فرمانبرداری است که در برابر این دستور کاملا تسلیم است .

((اذنت)) در اصل از ((اذن)) (بر وزن افق) به معنی ((گوش)) گرفته شده ، و مفهوم آن استماع کردن و شنوا بودن و در اینجا کنایه از اطاعت فرمان و تسلیم است .

((حقت)) از ماده ((حق)) به معنی شایسته و سزاوار است

چگونه می تواند تسلیم نباشد در حالی که فیض وجود لحظه به لحظه از سوی خداوند به آن می رسد، و اگر یک آن این رابطه قطع گردد متلاشی و نابود خواهد شد.

آری آسمان و زمین نه تنها در آغاز آفرینش ، طبق آیه ۱۱ سوره فصلت ((قالتا اتینا طائعین)) مطیع فرمان حق بود که در پایان عمر نیز چنین است .

بعضی نیز گفته اند: که منظور از جمله ((حقت)) این است که وحشت و ترس قیامت آنچنان است که سزاوار است آسمانها نیز از هم بشکافد.

ولی تفسیر اول مناسبتر به نظر می رسد.

و در مرحله بعد به وضع ((زمین)) اشاره کرده ، می فرماید: ((و در آن هنگام که زمین کشیده و گسترده شود)) (و اذا الارض مدت).

کوهها - به شهادت آیات فراوانی از قرآن - به کلی متلاشی و برچیده می شوند، و تمام بلندیها و پستیها از میان می رود، زمین صاف و گسترده و آماده حضور همه بندگان در صحنه می شود، همانطور که در آیه ۱۰۵ تا

۱۰۷ سوره طه می فرماید: و یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا و لا امتا: ((از تو درباره کوهها سؤ ال می کنند، بگو: پروردگارم آنها را بر باد می دهد، سپس زمین را صاف و هموار می سازد، به گونه ای که هیچ پستی و بلندی در آن نمی بینی))!

و چنان دادگاه بزرگی که خلق اولین و آخرین در آن جمعند چنین صحنه ای نیز لازم دارد!

بعضی گفته اند معنی آیه این است که خداوند، زمین کنونی را در قیامت بسیار گسترده تر از آنچه امروز است می کند تا آمادگی بیشتری برای حشر و نشر خلایق داشته باشد. <۴>

و در سومین مرحله می افزاید: ((زمین آنچه را در درون دارد بیرون افکنده و خالی می شود)) (و القت ما فیها و تخلت).

معروف در میان مفسران این است که مفهوم آیه این است که تمام مردگانی که در درون خاک و داخل قبرها آرمیده اند یکباره همه به بیرون پرتاب می شوند، و لباس حیات و زندگی بر تن می کنند، شبیه آنچه در سوره ((زلزال)) آمده : و اخرجت الارض اثقالها ((زمین بارهای سنگین خود را خارج می کند))

یا آنچه در سوره نازعات آیه ۱۳ و ۱۴ آمده : فانما هی زجره واحده فاذا هم بالساهره : ((تنها یک صیحه زده می شود، و به دنبال آن همگی بر صفحه

زمین ظاهر می شوند))!

بعضی از مفسران گفته اند علاوه بر انسانها، معادن و گنجهای نهفته درون زمین نیز همگی بیرون می ریزد.

این احتمال نیز در تفسیر آیه وجود دارد که مواد مذاب

درون زمین با زلزله های هولناک و وحشتناک به کلی بیرون می ریزد، و همه پستیها را پر می کنند و سپس درون زمین خالی و آرام می گردد.

جمع میان این معانی نیز بی مانع است .

باز به دنبال این سخن می افزاید: ((زمین تسلیم فرمان پروردگارش شود و شایسته است که تسلیم باشد)) (و اذنت لربها و حقت).

این حوادث عظیم که با تسلیم کامل همه موجودات تواءم است ، از یکسو بیانگر فنای این دنیا است ، فنای زمین و آسمان و انسانها و گنجها و گنجینه ها، و از سوی دیگر دلیل بر ایجاد نقطه عطفی است در جهان آفرینش ، و مرحله نوین و تازه هستی .

و از سوی سومی نشانه قدرت خداوند بزرگ است ، بر همه چیز مخصوصا بر مساءله معاد و رستاخیز.

آری هنگامی که این حوادث واقع شود، انسان ، نتیجه اعمال نیک و بد خود را می بیند (و این جمله ای است که در تقدیر است).

سپس انسانها را مخاطب ساخته و سرنوشت آنها را در مسیری که در پیش دارند برای آنها روشن می کند، می فرماید: ((ای انسان تو با تلاش و رنج و زحمت به سوی پروردگارت پیش می روی ، و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد)) (یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه).

((کدح)) (بر وزن مدح) به معنی تلاش و کوششی است که با رنج و تعب همراه باشد، و در جسم و جان اثر بگذارد، و لذا به گاو سخت کوشی که آثار کار کردن در جسم او ظاهر شده ((ثور فیه کدوح

)) می گویند.

در تفسیر ((کشاف)) و ((فخر رازی)) و ((روح المعانی)) آمده است که : این کلمه در اصل به معنی خراشی است که بر پوست تن وارد می شود، و به همین مناسبت به تلاشهایی که در روح انسان اثر می گذارد، اطلاق شده است .

این آیه اشاره به یک اصل اساسی در حیات همه انسانها است ، که همواره زندگی آمیخته با زحمت و رنج و تعب است ، حتی اگر هدف رسیدن به متاع دنیا باشد، تا چه رسد به اینکه هدف آخرت و سعادت جاویدان و قرب پروردگار باشد، این طبیعت زندگی دنیا است ، حتی افرادی که در نهایت رفاه زندگی می کنند آنها نیز از رنج و زحمت و درد بر کنار نیستند.

تعبیر به ((ملاقات پروردگار)) در اینجا، خواه اشاره به ملاقات صحنه قیامت که صحنه حاکمیت مطلقه او است باشد، یا ملاقات جزا و پاداش و کیفر او، یا ملاقات خود او از طریق شهود باطن ، نشان می دهد که این رنج و تعب تا آن روز ادامه خواهد یافت ، و زمانی به پایان می رسد که پرونده این دنیا بسته شود و انسان با عملی پاک خدای خویش را ملاقات کند.

آری راحتی بی رنج و تعب ، تنها در آنجا است .

خطاب به ((انسان)) که همه نوع انسان را شامل می شود (با توجه به تکیه بر انسانیت انسان) بیانگر این حقیقت است که خداوند نیروهای لازم را برای این حرکت مستمر الهی در وجود این اشرف مخلوقات آفرید.

و تکیه بر عنوان ((رب)) (پروردگار) اشاره به این است که

این سعی و تلاش جزئی از برنامه ربوبیت و تکامل و تربیت انسان است .

آری ما همه مسافرانی هستیم که از سرحد عدم بار سفر بسته ، و به اقلیم

وجود گام نهاده ایم ، ما همه رهرو منزل عشق او هستیم ، و به طلبکاری مهر گیاه رخ دوست آمده ایم .

نظیر این تعبیر در آیات دیگر قرآن نیز آمده است ، مانند: و ان الی ربک المنتهی : ((و اینکه همه امور به پروردگارت باز می گردد و تمام خطوط به او منتهی می شود)) (نجم ۴۲) و نیز می فرماید و الی الله المصیر ((بازگشت همه به سوی خداوند است)) (فاطر ۱۸).

و آیات دیگر که همه حاکی از این سیر دائمی تکامل موجودات به سوی پروردگار متعال است .

ولی در اینجا انسانها به دو گروه تقسیم می شوند همانگونه که می فرماید: ((اما کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شده)) (فاما من اوتی کتابه بیمینه).

((به زودی حساب آسانی برای او می شود)) (فسوف یحاسب حسابا یسیرا).

((و مسرور و خوشحال به اهل و خانواده اش باز می گردد)) (و ینقلب الی اهله مسرورا).

اینها کسانی هستند که در مدار اصلی آفرینش ، در همان مداری که خداوند برای این انسان و سرمایه ها و نیروهای او تعیین کرده حرکت می کنند، و تلاش و کوشش آنها همواره برای خدا، و سعی و حرکتشان به سوی خدا است ، در آنجا نامه اعمالشان را به دست راستشان می دهند که این نشانه پاکی عمل و

صحت ایمان و نجات در قیامت است ، و مایه سرافرازی و سربلندی در برابر اهل محشر

هنگامی

که در پـای میزان عـدل قرار می گیرنـد، میزانی که کمترین وزنها را می سـنجد، خداونـد حساب را بر آنها آسان می گیرد، از لغزشهایشان می گذرد، و به خاطر ایمان و اعمال صالح ، سیئات آنها را تبدیل به حسنات می کند.

در اینکه منظور از ((حساب یسـیر)) چیست بعضـی گفته اند: منظور حساب سهل و آسان است که سخت گیری و دقت در آن نباشد، از سیئات بگذرد و حسنات را پاداش دهد.

در حـدیثی از پیغمبر اکرم (صـلی اللّه علیه و آله و سلّم) می خوانیم : ثلاث من کن فیه حاسـبه الله حسابا یسـیرا، و ادخله الجنه برحمته .

قـالوا: و مـا هی یـا رسول الله ؟! قال : تعطی من حرمک ، و تصل من قطعک و تعفو عمن ظلمک : ((سه چیز در هر کس باشـد خداوند حساب او را آسان می کند، و او را به رحمتش در بهشت وارد می سازد.

عرض کردنـد: آنهـا چه چیز است ای رسول خـدا؟! فرمود: عطـا کنی به کسـی که تو را محروم کرده ، و پیونـد برقرار سازی با کسی که از تو بریده ، و عفو کنی کسی را که به تو ستم کرده است)). <۵>

این مطلب نیز از روایـات اسـتفاده می شود که دقت و سـخت گیری در حساب در قیامت به میزان عقل و دانش انسانها بسـتگی دارد، چنانکه امام باقر (علیه السـلام) می فرماید: انما یداق الله العباد فی الحساب یوم القیامه علی ما آتاهم من العقول فی الدنیا: ((خداوند در قیامت در حساب بندگان به اندازه عقلی که در دنیا به آنها داده است دقت

و سخت گیری می کند))!. <۶>

و برای ((اهل)) در آیات فوق تفسیرهای مختلفی ذکر کرده اند، بعضی گفته اند: منظور همسر و فرزندان با ایمان او است که مؤ منان در بهشت به آنها می رسند، و این خود نعمت بزرگی است که انسان افراد مورد علاقه اش را در بهشت ببیند، و در کنار آنها باشد.

بعضی دیگر ((اهل)) را به معنی حوریان بهشتی گرفته اند که برای مؤ منان تعیین شده اند، و بعضی آن را به افراد با ایمانی که در دنیا مورد علاقه او بودند و در خط او قرار داشتند تفسیر کرده اند.

جمع میان این معانی نیز ممکن است .

۱ - یک حدیث اعجازآمیز

در حدیثی از امیر مؤ منان علی (علیه السلام) در تفسیر ((اذا السماء انشقت)) آمده است که فرمود انها تنشق من المجره : ((آسمانها از کهکشان جدا می شود))! <۷>

این حدیث پرمعنی و قابل دقت است ، و از معجزات علمی محسوب می شود، از حقیقتی پرده برمی دارد که در آن زمان هیچیک از دانشمندان به آن نرسیده بودند و آن اینکه دانشمندان فلکی امروز با مشاهدات نجومی خود به وسیله تلسکوبهای عظیم و نیرومند ثابت کرده اند که عالم مجموعه ای است از کهکشانها و هر کهکشان مجموعه ای است از منظومه ها و ستارگان ، و به همین دلیل آنها را شهرهای ستارگان می نامند، کهکشان راه شیری معروف که با چشم قابل مشاهده است مجموعه عظیم و دایره مانندی از همین منظومه ها و ستارگان است ، یک طرف

از آن بقدری از ما دور است که ستارگانش را

به صورت ابری سفید می بینیم ، ولی در واقع مجموعه نقاط نورانی نزدیک به هم است .

اما آن طرفش که به ما نزدیک است ستارگانش قابل رؤ یت می باشد، و همین ستارگانی است که ما در آسمان شب می بینیم ، و به این ترتیب منظومه شمسی ما جزء این ((مجره)) (کهکشان) است .

مطابق روایت فوق ، علی (علیه السلام) می گوید: در آستانه قیامت این کواکب را که ما مشاهده می کنیم از کهکشان جدا می شود، و نظام همگی به هم می خورد.

چه کسی آن زمان می دانست که ستارگانی که ما می بینیم در واقع جزء این کهکشان راه شیری (مجره) است جز کسی که قلبش به عالم غیب مربوط باشد و از سرچشمه علم خدا سیراب گردد.

۲ - دنیادار رنجها و دردهاست

تعبیر به ((کادح)) در آیات فوق که اشاره به تلاش و کوشش آمیخته با رنج و زحمت است ، با توجه به اینکه مخاطب در آن همه انسانها می باشند، بیانگر این واقعیت است که طبیعت زندگی این جهان در هیچ مرحله خالی از مشکلات ، ناراحتیها، و رنج و مشقت نیست ، خواه این مشکلات جنبه جسمانی و بدنی داشته باشد، و یا جنبه روحی و فکری و یا هر دو، و هیچکس را خالی از آن نمی بینیم .

در حدیث بسیار پرمعنایی از امام علی بن الحسین (علیه السلام) می خوانیم : الراحه لم تخلق فی الدنیا و لا لاهل الدنیا، انما خلقت الراحه فی الجنه و لاهل الجنه ، و التعب و النصب خلقا فی الدنیا، و لاهل الدنیا،

و ما اعطى احد منها جفنه الا اعطى من الحرص مثليها، و من اصاب من الدنيا اكثر،

كان فيها اشد فقرا لانه يفتقر الى الناس فى حفظ امواله ، و تفتقر الى كل آله من آلات الدنيا، فليس فى غنى الدنيا الراحه !

:((راحتى و آسايش در دنيا و براى اهل دنيا وجود ندارد، راحتى و آسايش تنها در بهشت است ، و براى اهل بهشت ! رنج و تعب در دنيا آفريده شده ، و براى اهل دنيا، و (به همين دليل) هر كسى پيمانه اى از آن به دست مى آورد دو برابر آن حرص نصيب او مى شود، و كسانى كه از دنيا بيشتر دارند فقيرترند! زيرا محتاج ديگران در حفظ اموال خويشند، و به وسائل و ادوات زيادى براى حفظ آن نيازمندند، بنابراين در ثروت دنيا راحتى نيز وجود ندارد)).

سپس امام (عليه السلام) در ذيل اين حديث فرمود:

كلا ما تعب اولياء الله فى الدنيا للدنيا، بل تعبوا فى الدنيا للاخره : ((هرگز دوستان خدا در دنيا به خاطر دنيا رنج و تعب نمى كشند، بلكه رنج و تعب آنها در دنيا براى آخرت است))!. <٨> آنها كه از شرم نامه اعمال را پشت سر مى گيرند!

به دنبال بحثى كه در آيات قبل پيرامون اصحاب اليمين (مؤ منانى كه نامه اعمالشان به دست راستشان داده مى شود) گذشت در اين آيات از كفار

و مجرمان و چگونگى نامه اعمال آنها سخن مى گويد، نخست مى فرمايد:

((اما كسى كه نامه عملش را به پشت سرش داده اند)) (و اما من اوتى كتابه وراء ظهره).

((به زودى فرياد مى زند اى واى بر من

که هلاک شدم))! (فسوف یدعوا ثبورا).

((و در شعله های سوزان آتش دوزخ می سوزد)) (و یصلی سعیرا).

در اینکه چگونه نامه اعمالشان را به پشت سرشان می دهند، و چگونه این آیه با آیاتی که می گوید نامه اعمالشان را به دست چپشان می دهند، جمع می شود؟ مفسران تفسیرهای گوناگونی ذکر کرده اند:

بعضی گفته اند: دست راست آنها را به گردنشان زنجیر می کنند، و نامه اعمالشان را به دست چپ و از پشت سر می دهند که نشانه ذلت و سرافکندگی و شرمساری است .

بعضی دیگر گفته اند: هر دو دست آنها را مانند اسیران از پشت سر می بندند و نامه اعمالشان را به دست چپشان می دهند.

بعضی دیگر گفته اند: با توجه به آیه ۴۷ سوره نساء که می گوید من قبل ان نطمس وجوها فنردها علی ادبارها: ((پیش از آنکه صورتهایی را محو کنیم و به پشت سر باز گردانیم)) این گروه مجرمان صورتهایشان به عقب برگشته ، و باید نامه اعمالشان را شخصا بخوانند، لذا آن را به دست چپ آنها در پشت سر می دهند.

ولی مناسبتر این است که گفته شود اصحاب الیمین با سرافرازی و افتخار و مباهات نامه اعمالشان را به دست راست گرفته و صدا می زنند: هاؤ م اقراءو

کتابیه : ((ای اهل محشر! بیایید و نامه اعمال ما را بگیرید و بخوانید)) (حاقه ۱۹) اما وقتی مجرمان تبهکار نامه اعمالشان را به دست چپشان می دهند آنها از شرمساری و ذلت دست را پشت سر می گیرند، تا این سند جرم و فضاحت کمتر دیده شود، ولی چه فایده که در آنجا چیزی

پنهان شدنی نیست .

جمله ((یدعوا ثبورا)) اشاره به تعبیری است که عرب به هنگام بروز یک حادثه خطرناک دارد، و فریاد می زند: ((وا ثبورا))! یعنی ای وای که هلاک شدم (توجه داشته باشد که ((ثبور)) به معنی هلاکت است).

ولی این آه و ناله و داد و فریاد به جایی نمی رسد، و به دنبال آن ((و یصلی سعیرا)) است یعنی وارد آتش سوزان جهنم می شود.

سپس به بیان علت این سرنوشت شوم پرداخته می فرماید: ((این به علت آن است که او در میان اهل و خانواده خود پیوسته (از کفر و گناه خویش) مسرور بود)) (انه کان فی اهله مسرورا).

سروری آمیخته با غرور، و غروری آمیخته با غفلت و بیخبری از خدا، سروری که نشانه دلبستگی سخت به دنیا و بی اعتنایی به جهان پس از مرگ بود.

بدیهی است سرور و خوشحالی ذاتا مذموم و نکوهیده نیست ، بلکه مؤ من باید به لطف خدا مسرور و در معاشرت گشاده رو و بشاش باشد، سروری مذموم است که انسان را از یاد خدا غافل کند و در شهوات غوطه ور سازد.

و لذا در آیه بعد می افزاید: ((این به خاطر آن است که او گمان می کرد هرگز بازگشت نمی کند)) و معادی در کار نیست ! (انه ظن ان لن یحور).

در حقیقت منشاء اصلی بدبختی او اعتقاد فاسد و گمان باطلش دائر بر نفی

معاد بود، و همین اعتقاد باعث غرور و سرور او شد، او را از خدا دور ساخت و در شهوات غوطه ور نمود، تا آنجا که دعوت انبیا را به باد استهزا گرفت ، و وقتی به

سراغ خانواده خود می آمد از این استهزا و سخریه شاد و خوشحال بود، همین معنی در آیه ۳۱ سوره مطففین و اذا انقلبوا الی اهلهم انقلبوا فکهین نیز آمده ، همچنین در داستان ((قارون)) آن ثروتمند مغرور و از خدا بیخبر آمده است که آگاهان بنی اسرائیل به او می گفتند: لا تفرح ان الله لا یحب الفرحین : ((اینقدر شادی مغرورانه مکن که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست نمی دارد)) (قصص - ۷۶).

((لن یحور)) (هرگز بازگشت نمی کند) از ماده ((حور)) (بر وزن غور) در اصل به معنی تردد و رفت و آمد است ، خواه این رفت و آمد در عمل بوده باشد، یا تفکر و اندیشه ، و لذا به گردش آب در حوض و استخر این کلمه اطلاق می شود، و ((محور)) به میله ای می گویند که چرخ بر دور آن گردش می کند، ((محاوره)) به معنی رفت و آمد و رد و بدل کردن بحث است ، و ((حوار)) نیز به همین معنی است ، و گاه به معنی داد و فریادی است که به هنگام مباحثه بلند می شود.

و ((تحیر)) نیز نتیجه رفت و آمد فکر در یک مساءله است که لازمه آن سرگردانی در عمل است .

بعضی معتقدند ریشه این کلمه ((حبشی)) است ، و از ابن عباس نقل شده که می گوید من معنی این جمله را در قرآن نمی دانستم ، تا اینکه از یک عرب بیابانی شنیدم که به دخترک خود گفت : ((حوری))! یعنی بازگرد.

تعبیر به ((حواری)) در مورد نزدیکان حضرت مسیح (علیه السلام) یا

نزدیکان هر کس

شاید نیز به همین مناسبت باشد که آنها نزد او رفت و آمد دارند.

بعضی نیز آن را از ماده ((حور)) به معنی شستن و سفید کردن دانسته اند، چرا که آنها قلوب مردم را از زنگار شرک و گناه پاک می کردند و ((حوریان)) بهشتی را از این رو به این نام نامیده اند که سفید پوستند و یا سفیدی چشمانشان بسیار شفاف است !.

بعضی نیز گفته اند اطلاق این کلمه به حوریان بهشتی بخاطر این است که آنها بقدری زیبا هستند که چشم از دیدنشان حیران می شود.

ولی به هر حال این واژه در آیه مورد بحث به معنی بازگشت و معاد است ضمنا این آیه نشان می دهد که عدم ایمان به رستاخیز سرچشمه غفلت و غرور و آلودگی به انواع گناهان می شود.

و در آخرین آیه مورد بحث برای نفی عقائد باطل آنها می فرماید: ((آری پروردگارش نسبت به او بینا بود)) (بلی ان ربه کان به بصیرا).

همه اعمال او را ثبت و ضبط نمود، و برای روز حساب در نامه اعمالش منعکس ساخت .

تعبیر این آیه همانند آیه قبل ((یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه)) می تواند به منزله دلیلی بر مساءله معاد محسوب شود، به خصوص اینکه در هر دو آیه روی عنوان ((رب)) تکیه شده است ، چرا که سیر تکاملی انسان به سوی پروردگار هرگز نمی تواند با مرگ متوقف گردد، و زندگی دنیا کمتر از آن است که هدف چنین سیری باشد.

و نیز بصیر بودن خداوند نسبت به اعمال آدمی ، و ثبت و ضبط آنها حتما باید

مقدمه ای برای حساب و جزا باشد و گرنه بیهوده است . دائما دگرگون می شوید!

به دنبال بحثی که در آیات گذشته پیرامون سیر تکاملی انسان به سوی خداوند آمد.

در این آیات برای تاءکید این مطلب و توضیح بیشتر می فرماید: ((سوگند به شفق)) (فلا اقسم بالشفق).

((و سوگند به شب و آنچه را از امور پراکنده جمع می کند)) (و اللیل و ما وسق).

((و سوگند به ماه آنگاه که کامل می شود و به صورت بدر در می آید))

(و القمر اذا اتسق).

((که همه شما دائما از حالی به حال دیگر منتقل می شوید)) (لترکبن طبقا عن طبق).

((لا)) در جمله ((فلا اقسم)) همانگونه که سابقا هم اشاره کرده ایم ((زائده)) و برای تاءکید است ، هر چند بعضی احتمال داده اند که برای نفی باشد، یعنی سوگند یاد نمی کنم ، به خاطر اینکه مطلب عیان است و حاجتی به سوگند ندارد، و یا اینکه مطلب بقدری مهم است که درخور این سوگندها نیست ، و یا اینکه این اموری که به آن سوگند یاد شده است آنقدر اهمیت دارد که سزاوار است به آن قسم یاد نشود.

ولی معنی اول (زائده و تاءکید بودن) از همه مناسبتر است .

((شفق)) به گفته ((راغب)) در ((مفردات)) آمیخته شدن روشنایی روز به تاریکی شب است ، و لذا واژه ((اشفاق)) به معنی توجه و عنایت آمیخته با ترس به کار می رود، فی المثل هر گاه انسان نسبت به کسی علاقه داشته باشد و در عین حال از حوادثی درباره او بیمناک گردد به این حالت ((اشفاق

)) گوید و آن شخص را ((مشفق)).

ولی فخر رازی معتقد است که واژه ((شفق)) در اصل به معنی ((رقت)) و ((نازکی)) است ، و لذا به لباس بسیار نازک ((شفق)) می گویند و حالت ((شفقت)) به همان حالت رقت قلب اطلاق می شود (ولی گفته راغب صحیحتر به نظر می رسد).

به هر حال منظور از ((شفق)) در اینجا همان روشنی آمیخته با تاریکی در آغاز شب است ، و از آنجا که در آغاز شب نخست سرخی کمرنگی در افق مغرب پیدا می شود، و بعد جای خود را به سفیدی می دهد، اختلاف شده است

که آیا شفق به آن سرخی اطلاق می شود، یا سفیدی ، مشهور و معروف در میان علما و دانشمندان و مفسران همان معنی اول است که در اشعار نیز روی آن تکیه شده است ، و شفق را به ((دماء الشهداء)) (خون شهیدان) تشبیه کرده اند.

ولی بعضی معنی دوم را انتخاب کرده اند که بسیار ضعیف به نظر می رسد، به خصوص اینکه اگر ریشه لغوی این واژه را ((رقت)) بدانیم تناسب با همان سرخی کمرنگ که نور رقیق آفتاب است دارد.

به هر حال از آنجا که ظهور ((شفق)) خبر از یک حالت تحول و دگرگونی عمیق در جهان می دهد، و اعلام پایان روز و آغاز شب است ، بعلاوه جلوه و زیبایی خاصی دارد، و از همه گذشته وقت نماز مغرب است ، خداوند به آن سوگند یاد فرموده تا همگان را وادار به اندیشه در این پدیده زیبای آسمانی کند.

و اما سوگند به شب به خاطر

آثار و اسرار زیادی است که در آن نهفته شده و در گذشته مشروحا از آن سخن گفته ایم . <۱۰>

تعبیر به ((ما وسق)) <۱۱> با توجه به اینکه ((وسق)) به معنی جمع کردن پراکنده هاست <۱۲> اشاره به بازگشت انواع حیوانات و پرندگان و حتی انسانها به خانه ها و لانه های خود به هنگام شب است ، که نتیجه آن آرامش و آسایش عمومی جانداران می باشد، و یکی از اسرار و آثار پر اهمیت شب محسوب می شود، چنانکه در آیه ۶۱ سوره ((غافر)) می خوانیم : الله الذی جعل لکم اللیل لتسکنوا فیه : ((خداوند کسی است که شب را برای شما آفرید تا در آن آرامش و سکون

پیدا کنید)).

و از اینجا روشن می شود که تعبیر به ((اذا اتسق)) که از همان ماده است نیز به معنی جمع و جور شدن و در اینجا به معنی کمال نور ماه در شب چهاردهم است و می دانیم که ماه در این حالت جلوه فوق العاده ای دارد که تمام چشمها را به سوی خود جلب می کند، نور و فروغ آن صفحه زمین را روشن می کند، روشنایی کمرنگی که مزاحم آرامش شب نیست ، و در عین حال راه را برای رهروان شب می گشاید، لذا آیتی از آیات بزرگ خداوند است ، و به همین دلیل به آن سوگند یاد فرموده .

قابل توجه اینکه هر چهار موضوعی که در این آیات به آن سوگند یاد شده است (شفق - شب - موجوداتی که شب آنها را گردآوری می کند - ماه در حالت بدر

کامل) همه موضوعاتی است مربوط به هم ، و مکمل یکدیگر، و مجموعه ای زیبا و منسجم را تشکیل می دهد که اندیشه انسان را تحریک می کند، تا در قدرت عظیم آفرینش بیندیشد، و از این دگرگونیهای سریع به مساءله معاد و قدرت خداوند بر آن آشناتر شود.

و جالب اینکه این قسمتها اشاره به حالات و دگرگونیهایی است که پشت سر هم در عالم آفرینش رخ می دهد، خورشید سر در نقاب فرو می برد، شفق که بقایای نور آن است ظاهر می شود، موجودات زنده به سرعت به لانه های خود باز می گردند، ماه در صورت بدر کامل طلوع می کند) توجه داشته باشید که ماه شب چهارده در همان آغاز شب طلوع می کند و این سوگندها را مقدمه ای قرار می دهد برای جمله ((لترکبن طبقا عن طبق)) که بیانگر حالات مختلفی است که انسان در مسیر زندگی خود یکی پس از دیگری پیدا می کند.

و برای این جمله تفسیرهای مختلفی ذکر کرده اند از جمله :

۱ - منظور حالات گوناگونی است که انسان در طریق پر رنج و مشقت خود

به سوی خداوند و کمال مطلق پیدا می کند، نخست عالم دنیا، بعد جهان برزخ و سپس رستاخیز و حالات مختلف آن (توجه داشته باشید که ((طبق)) از ماده ((مطابقه)) به معنی قرار دادن چیزی فوق چیز دیگر است ، و به معنی منازلی که انسان در سیر صعودی خود طی می کند نیز آمده است).

۲ - منظور حالاتی است که انسان از هنگامی که نطفه است تا موقع مرگ می پیماید که بعضی آن

را به سی و هفت حالت شماره کرده اند!

۳ - منظور حالات مختلفی است که انسان در زندگی دنیا از سلامت و بیماری اندوه و سرور، غم و شادی ، سختی و آسایش ، صلح و جنگ می پیماید.

۴ - منظور حالات و شدائد مختلفی است که انسان در روز قیامت با آن رو به رو می شود، تا از حساب فارغ گردد، و هر کس به سوی نتیجه کار خویش از بهشت و دوزخ برود.

۵ - منظور حالاتی است که در اقوام پیشین واقع شده ، یعنی همان حوادث تلخ و شیرین ، و انواع تکذیبها و انکارهای مخالفان در این امت نیز واقع می شود این معنی در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است .

البته جمع میان این تفسیرها مانعی ندارد و ممکن است آیه ناظر به همه این دگرگونیها و تحولات و مراحلی باشد که انسان در مسیر زندگی خود آن را می پیماید.

بعضی مخاطب در این آیه را شخص پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) دانسته ، و آیه را اشاره به آسمانهایی می دانند که پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) در شب معراج از آنها گذشت ، اما با توجه به اینکه ((ب)) در ((لترکبن)) ضمه دارد و معنی جمعی را می رساند این تفسیر مناسب نیست ، بخصوص اینکه در آیات سابق نیز مخاطب کل انسانها بودند.

به هر حال حدوث این حالات ، و عدم استقرار آدمی بر یک حالت ، از یکسو دلیل مخلوق بودن او، و نیاز به خالق داشتن است ، چرا که

هر متغیری حادث ،

و هر حادثی خالقی می خواهد، و از سوی دیگر دلیلی است بر عدم پایداری این جهان ، و از سوی سوم نشانه ای است بر حرکت مستمر انسان به سوی ذات پروردگار و مساءله معاد، همانگونه که در آیات قبل آمده بود یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه .

سپس به عنوان یک نتیجه گیری کلی از بحثهای گذشته می فرماید: ((چرا آنها ایمان نمی آورند))؟! (فما لهم لا یؤ منون).

با اینکه دلائل حق روشن و آشکار است هم دلائل توحید و خداشناسی و هم دلائل معاد، هم آیات آفاقی که در آفرینش شب و روز و ماه و خورشید و نور و ظلمت و طلوع و غروب آفتاب و شفق ، و تاریکی شب ، و تکامل روشنی ماه نهفته است و هم آیات انفسی از لحظه ای که نطفه در قرارگاه رحم جای می گیرد، و مراحل گوناگونی را یکی بعد از دیگری طی کرده تا به اوج کمال خود در عالم جنین می رسد، سپس از لحظه تولد تا مرگ مراحل دیگری را می پیماید، با این نشانه های روشن چرا آنها ایمان نمی آورند؟!

سپس از کتاب ((تکوین)) به سراغ کتاب ((تدوین)) می رود، و می افزاید: ((چرا هنگامی که قرآن بر آنها خوانده می شود در برابر آن خضوع نمی کنند))؟ (و اذا قری ء علیهم القرآن لا یسجدون).

قرآنی که همچون آفتاب ، خود دلیل خویشتن است ، نور اعجاز از جوانب مختلف آن می درخشد، و محتوای آن دلیل روشنی است بر اینکه از سرچشمه وحی گرفته شده .

قرآنی که

هر ناظر بی طرف می داند ممکن نیست زاییده مغز بشری باشد،

آن هم بشری که هرگز درس نخوانده بود، و در یک محیط تاریک و ظلمانی و مملو از خرافات پرورش یافته بود.

منظور از ((سجده)) در اینجا خضوع و تسلیم و اطاعت است <۱۳> و سجده معروف که پیشانی را در آن بر زمین می گذارند یکی از مصداقهای این مفهوم کلی است ، و شاید به همین دلیل در بعضی از روایات آمده است که وقتی پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) این آیات را تلاوت فرمود سجده کرد.

البته طبق فتاوای معروف فقهای اهل بیت (علیه السلام) این سجده از سجده های مستحب قرآن است ، و مذاهب چهارگانه اهل تسنن همه آنها سجده را به هنگام تلاوت این آیه واجب می دانند، جز ((مالک)) که معتقد است بعد از پایان سوره باید سجده کرد. <۱۴>

در آیه بعد می افزاید: ((بلکه کافران پیوسته آیات الهی و معاد و رستاخیز را تکذیب می کنند)) (بل الذین کفروا یکذبون).

به کار بردن ((فعل مضارع)) در اینجا که معمولاـ برای استمرار می آید گواه برای معنی است که آنها در تکذیبهای خود اصرار داشتند، اصراری که از روح لجاج و عناد سرچشمه می گرفت ، تکذیبی که از نارسایی دلائل حق نبود بلکه به خاطر تعصب و تقلید کورکورانه از نیاکان و حفظ منافع مادی و کسب

آزادی برای اشباع هوسهای شیطانی بود.

سپس با لحنی تهدیدآمیز می فرماید: ((خداوند آنچه را آنها در درون دل پنهان می دارند به خوبی می داند)) (و الله اعلم بما یوعون).

خداوند از نیات

و اهـداف آنها، و انگیزه هایی که سبب این تکـذیبهای مسـتمر می گردد، با خبر است هر قـدر آنها بر آن پرده پوشـی کننـد و سرانجام کیفر همه آن را به آنها خواهد داد.

((یوعون)) از ماده ((وعاء)) به معنی ظرف است همانگونه که در عبارت معروف نهـج البلاغه از علی (علیه السـلام) نقل شده که فرمـود: ان هـذه القلـوب اوعیه فخیرهـا اوعاهـا: این دلهـا ظرفهـائی است و بهـترین آنهـا دلی است که حفـظ و نگهـداری و ظرفیتش بیشتر باشد!

و در آیه بعد می فرماید: ((پس آنها را به عذاب دردناک بشارت ده)) (فبشرهم بعذاب الیم).

تعبیر به ((بشارت)) که معمولا در خبرهای خوش به کار می رود در اینجا نوعی طعن و سرزنش است ، این در حالی است که مؤ منان را حقیقتا بشارت به نعمتهای گسترده بهشتی می دهد، تا تکذیب کنندگان دوزخی در حسرت و اندوه فرو روند.

در آخرین آیه این سوره ، به صورت یک اسـتثناء بار دیگر به سـرنوشت مؤ منان صالـح العمل اشاره کرده ، می فرماید: ((مگر کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند که برای آنها پاداشی است ثابت و لا ینقطع و خالی از هرگونه نقصان

و منت)) (الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم اجر غیر ممنون)

((ممنـون)) از مـاده ((من)) هم به معنی ((قطع)) و ((نقصـان)) آمـده است ، و هم ((منت)) (واژه منون به معنی مرگ نیز از همین ماده است) و ممکن است همه این معانی در اینجا جمع باشد، زیرا نعمتهای آخرت بر عکس نعمتهای دنیا که ناپایدار و

هم نقصـان پـذیر، و غالبـا آمیخته بـا عوارض نـامطلوب ، و یـا منت این و آن است ، هیچگونه منت و نقصـان و فنـاء و عوارض نامطلوب در آن راه ندارد جاودانی است . نقصان ناپذیر است ، خالی از هرگونه ناملائمات و هرگونه منت است .

آیا این ((اسـتثناء متصل)) است یا ((منقطع)) در میان مفسـران بحث است ، بعضـی احتمال داده انـد منقطع باشـد، یعنی شـرح حال کفار را که در آیات قبل بود رها کرده و به سراغ پاداش جاویدان مؤ منان می رود.

ولی مناسـبتر این است که اسـتثناء متصـل باشـد، و هـدف این است که راه بـازگشت را به روی کفار بگشایـد، و بفرمایـد: این عـذاب الیم از کسانی که توبه کننـد و ایمان آورنـد و اعمال صالـح انجام دهند قطعا برداشـته می شود، و پاداش دائم و نقصان ناپذیر به آنها می دهد.

مرحوم طبرسـی در مجمع البیـان از آیات اخیر این سوره اولا اصل اختیار و آزادی اراده را اسـتفاده می کنـد، چرا که ملامت بر ترک سـجده ، و ترک ایمان ، در مورد افراد مجبور، از خداوند حکیم قبیح است ، و اینکه می فرماید: فما لهم لا یؤ منون و اذا قری ء علیهم القرآن لا یسـجدون دلیل روشـنی است بر مساءله اختیار، و ثانیا ملامت بر ترک سجده دلیل بر این است که کفار همانگونه

که مکلف به اصول دین هسـتند مکلف به فروع نیز می باشـند (این سـخن بنـابراین است که سـجده در آیه فوق به معنی همـان سجده معهود نماز باشد و یا لااقل معنی گسترده ای داشته باشد که آن را شامل شود).

خداوندا!

در آن روز که همگی در دادگاه عدل تو حضور می یابند حساب را بر ما آسان گردان .

پروردگارا! در این مسیری که همه بندگان به سوی تو حرکت می کنند ما را در پیمودن صراط مستقیم یاری فرما.

بارالها! ما در برابر قرآن کریمت سر تعظیم فرود آورده ایم ، توفیق عمل به آن را نیز به همه ما مرحمت نما.

آمین یا رب العالمین

تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره این سوره مبارکه، هشتاد و چهارمین سوره قرآن است، و پس از سوره «انفطار» بر قلب پاك پیامبر فرود آمده است. بجاست که پیش از آغاز ترجمه و تفسیر آیات آن به شناسنامه اش بنگریم.

۱ - نام این سوره نام این سوره «انشقاق»، به معنی شکاف برداشتن و دو شقه شدن آمده، و از آغازین آیه آن برگرفته شده است.

این سوره با نام «انشقت»، به معنی «شکافته شد» نیز آمده است که این عنوان نیز از همان آیه نخست گرفته شده است.

۲ - فرودگاه این سوره این آیه در مکّه و در کنار خانه خدا بر قلب پیامبرمهر و آزادی فرود آمده است. این نکته را، افزون بر مفسران و قرآن پژوهان، حال و هوای آیات نیز که بیشتر از مبدأ و معاد سخن می گوید گواهی می نماید.

۳ - شمار آیه های آن به باور گروهی این سوره دارای ۲۵ آیه است، امّا پاره ای همین آیه ها را بی کم و کاست ۲۳ آیه شمرده اند. این سوره از ۱۰۷ واژه و از ۴۳۰ حرف پدید آمده است.

۴ - پاداش تلاوت این سوره از پیامبر گرامی آورده اند که در این مورد

فرمود:

و مَنْ قرأ سوره انشقت اعاذه اللّه اَنْ يؤتيه كتابه وراء ظهره.(۱۰۲)

كسى كه سوره «انشقاق» را بخواند، خدا او را از اين كه كارنامه زندگى اش را از پشت سرش به او دهند در امان مى دارد.

۵ - دورنمايى از مفاهيم اين سوره از نشانه هاى فرارسيدن رستاخيز و ظهور قيامت، درهم ريختن و شكاف برداشتن نظام جهان بالاست، و اين سوره با اعلام آن آغاز مى گردد.

آن گاه به تدريج در آيات بيست و پنج گانه اين سوره اين بحث ها به تابلو مى رود:

فرمانبردارى كران تا كران هستى از خدا،

به سوى داورى او،

چگونگى دريافت كارنامه ها در روز رستاخيز،

حسابرسى آسان از شايسته كرداران،

راز سقوط به دوزخ و گرفتارى در عذاب،

توجّه دادن به آگاهى خدا از عملكردها،

سنت هاى حاكم بر جامعه و تاريخ،

پاداش هماره و شكست ناپذير ايمان و عمل شايسته و نكات ظريف ديگرى كه خواهد آمد.

آشنايى با اين سوره اين سوره مباركه، هشتاد و چهارمين سوره قرآن است، و پس از سوره «انفطار» بر قلب پاك پيامبر فرود آمده است. بجاست كه پيش از آغاز ترجمه و تفسير آيات آن به شناسنامه اش بنگريم.

۱ - نام اين سوره نام اين سوره «انشقاق»، به معنى شكاف برداشتن و دو شقه شدن آمده، و از آغازين آيه آن برگرفته شده است.

اين سوره با نام «انشقت»، به معنى «شكافته شد» نيز آمده است كه اين عنوان نيز از همان آيه نخست گرفته شده است.

۲ - فرودگاه اين سوره اين آيه در مكّه و در كنار خانه خدا بر قلب پيامبرمهر و آزادى فرود

آمـده است. این نکته را، افزون بر مفسـران و قرآن پژوهـان، حـال و هوای آیـات نیز که بیشتر از مبـدأ و معـاد سـخن می گوید گواهی می نماید.

۳ – شـمار آیه هـای آن به بـاور گروهی این سـوره دارای ۲۵ آیه است، امّا پـاره ای همین آیه هـا را بی کم و کـاست ۲۳ آیه شمرده اند. این سوره از ۱۰۷ واژه و از ۴۳۰ حرف پدید آمده است.

۴ – پاداش تلاوت این سوره از پیامبر گرامی آورده اند که در این مورد فرمود:

و مَنْ قرأ سوره انشقت اعاذه اللّه اَنْ یؤتیه کتابه وراء ظهره.(۱۰۲)

کسی که سوره «انشقاق» را بخواند، خدا او را از این که کارنامه زندگی اش را از پشت سرش به او دهند در امان می دارد.

۵ – دورنمایی از مفاهیم این سوره از نشانه های فرارسیدن رستاخیز و ظهور قیامت، درهم ریختن و شکاف برداشتن نظام جهان بالاست، و این سوره با اعلام آن آغاز می گردد.

آن گاه به تدریج در آیات بیست و پنج گانه این سوره این بحث ها به تابلو می رود:

فرمانبرداری کران تا کران هستی از خدا،

به سوی داوری او،

چگونگی دریافت کارنامه ها در روز رستاخیز،

حسابرسی آسان از شایسته کرداران،

راز سقوط به دوزخ و گرفتاری در عذاب،

توجّه دادن به آگاهی خدا از عملکردها،

سنت های حاکم بر جامعه و تاریخ،

پاداش هماره و شکست ناپذیر ایمان و عمل شایسته و نکات ظریف دیگری که خواهد آمد.

تفسیر اطیب البیان

سوره انشقاق ، غرض سوره :بحث در باره قیامت و غلبه دادن انذار مردم بر بشارت ایشان .

(۱) (اذا السماء انشقت):(آن زمان که آسمان شکافته گردد)

(۲)(واذنت لربهاوحقت):(وفرمان پروردگارش راگوش دهدوسزاوارشنیدن آن گردد)

(۳)

(و اذا الارض مدت):(و زمانی که زمین با از بین رفتن پستیهاوبلندیهافراخ شود)

(۴) (و القت ما فیها و تخلت):(و آنچه در درون خود دارد، بیرون انداخته و خودرا تهی می سازد)

(۵)(واذنت لربهاوحقت):(وتسلیم فرمان پروردگارش می گرددوسزاواروامین اومی شود)می خواهد بفرماید: وقتی که آسمان شکافته شد و متلاشی گشت و آسمان مطیع پروردگارش گشت و سزاوار شنیدن فرامین او گردید و زمانیکه زمین گشاده و کشیده گشت و آنچه در بطن خود دارد(مردگان و گنج ها و معادن)همه را بیرون ریخت وخالی شد و زمین هم مانند آسمان مطیع پروردگارش گردید و سزاوار شنیدن فرامین الهی گشت ، آنوقت انسان پروردگارش را ملاقات می کند و پروردگارش طبق اعمالی که انجام داده به حساب و جزای او می پردازد.

(۶) (یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه):(ای انسان بدرستی که تودر راه پروردگارت تلاش می کنی و بالاخره او را دیدار خواهی کرد)می فرماید: هدف نهایی سیر و سعی و تلاش انسان ، خدای سبحان است ، یعنی انسان به جهت آنکه عبدیست مربوب و مملوک که هیچ مالکیتی نسبت به نفس خود و اعمال وآثارش ندارد، جز آنکه مولایش اراده کند، دائما در حال سعی و تلاش و شتافتن بسوی خدای تعالیست که رب و مالك و مدبر امور اوست ، لذا انسان در اراده و عملش مسئول است و این امر خود حجتی برای معاد است ، چون ربوبیت الهی تمام نمی شود، مگر باعبودیت بندگان و عبودیت هم فقط با بودن تکلیف ومسئولیت تصور می شود ومسئولیت هم فقط با بازگشت بسوی خدا و حساب و جزا

تمام می شود، پس انسان قطعادر مسیر وجودی خود به ملاقات پروردگارش می شتابد و به سوی او باز می گردد.

(۷) (فاما من اوتی کتابه بیمینه):(واماکسی که کتاب عملش بدست راستش داده شود)

(۸) (فسوف یحاسب حسابا یسیرا):(به زودی حسابی آسان از او می کشند)

(۹) (و ینقلب الی اهله مسرورا):(و خوشحال و خندان بسوی همفکران و اهل خود باز می گردد)یعنی در روز جزا انسانها دو گروهند: اصحاب یمین و اصحاب شمال ، اما اصحاب یمین یعنی کسانیکه نامه اعمالشان را به دست راستشان می دهند و در مرحله عقیده وعمل افرادی صالح بوده اند، بزودی در حسابرسی آنها سهل انگاری می شود و با آنها به سختی برخورد نمی شود، در نتیجه آنها با خوشحالی و شادمانی بسوی همنشینان بهشتی خود(حور و غلمان و ...)باز می گردند و آسوده خاطر هستند .

(۱۰) (وامامن اوتی کتابه وراءظهره):(واماآنکس که کتابش راازپشت سرش بدهند)

(۱۱) (فسوف یدعوا ثبورا):(به زودی فریاد و واویلای او بلند می شود)

(۱۲) (و یصلی سعیرا):(و در آتش می سوزد)

(۱۳) (انه کان فی اهله مسرورا):(آری او در دنیا نزد همفکران خود مسرور بود)

(۱۴) (انه ظن ان لن یحور):(او می پنداشت که هرگز بسوی ما بر نمی گردد)

(۱۵) (بلی ان ربه کان به بصیرا):(بلی پروردگارش به وضع او بینا بود)در اینجا به وضع گروه دوم می پردازد که خداوند چهره هایشان را به عقب بر گردانده و (طمس) می نماید، در نتیجه نامه عملشان را از پشت سر دریافت می کنند، می فرماید:کسانی که چنین وضعی داشته باشند بزودی آه و ناله آنها برخواهد خاست و شیون وواویلا سر می دهند و وارد

آتش می شونـد، آتشـی که زبانه کشـیده و شـعله ور است ، همانااین چنین فردی در دنیا به ناحق مسـرور بود و در اثر غفلت و دلبسـتگی به مسائـل مـادی درمیـان همفکران خود غرق در فرح و شادمـانی بود و گمان می کرد که برای حساب و جزابر نمی گردد و در اثر غرقه شـدن در گناهـان و معاصـی ابـدا احتمال وقوع معاد و حساب رانمی داد، ولی مسأله اینطور که او پنداشـته نیست ، بلکه خـدای سـبحان که رب و مالـك ومـدبر امر او بود از ابتـدا تـا انتهای زنـدگیش به او و همه اعمالش احاطه علمی داشت و لذادر قیامت او را مطابق اعمالش جزا می دهد.

(۱۶) (فلا اقسم بالشفق):(پس نه ! سوگند به شفق)

(۱۷) (و اللیل و ما وسق):(و سوگند به شب و آنچه بپوشاند)

(۱۸) (و القمر اذا اتسق):(و سوگند به ماه بدر که جوانبش را نورانی می کند)

(۱۹)(لترکبن طبقاعن طبق):(که همانابه زودی بعدازمرگ عوالمی راسیرخواهیدکرد)می فرماید: هر چند که حاجتی به سوگند نیست ، اما قسم به سـرخی کرانه افق در هنگام غروب خورشـید و قسم به شب که همه آنچیزهایی را که در روز متفرق شـده ، جمع می کند و یا ستارگان را از خفاء به ظهور می رساند و قسم به ماه ، وقتی که نورش جمع می شود، و در شب چهاردهم به صورت بدر کامل در می آید، که هر آینه شـما انسانها درمسـیر زندگی دنیوی و اخروی خود مراحل متفاوتی را طی می کنید، (ابتدا زندگی دنیا،سپس مرگ ، بعد از آن برزخ و سپس بعث و ...)که این مراحل مترتب

بریکدیگر و متطابق بر هم است ، بعضی مفسران گفته اند، طبق عن طبق به معنای آنست که آسمان یک مرحله مانند روغن گداخته گشته و سپس شکافته می شود و کسانی که در دنیا خوار و خفیف شمرده شده اند، برتری یافته و مستکبران پست و وضیع می شوند و یا بعد از شدت وسختی آسایش و راحتی خواهد بود و یا پس از فقر وفاقه بی نیازی و توانگری و یا بعد ازمرض و بیماری صحت وتندرستی و یا به عکس این مراحل و بعضی هم این مراحل را به معنای شدت حوادث دانسته اند و بعضی دیگر آن را به معنای پیش بینی صعود بشر به فضا تفسیر کرده اند(۷).

(۲۰) (فمالهم لا یؤمنون):(پس چه می شود، ایشان را که ایمان نمی آورند؟)

(۲۱) (و اذا قری ء علیهم القر ان لا یسجدون):(و وقتی که قرآن خوانده می شود،خاضع نمی گردند؟)

(۲۲) (بل الذین کفروا یکذبون):(بلکه کسانیکه که کافر شدند، تکذیب می نمایند)

(۲۳) (و الله اعلم بما یوعون):(و خدا می داند که در دل چه چیزی نهفته اند)

(۲۴) (فبشرهم بعذاب الیم):(پس ایشان را به عذابی سخت بشارت بده)

(۲۵) (الا الذین امنوا و عملوا الصالحات لهم اجر غیر ممنون):(مگر کسانیکه ایمان بیاورند و اعمال صالح کنند که ایشان اجری بی منت و قطع نشدنی دارند)در مقام توبیخ و از روی تعجب می فرماید: پس این مردم را چه شده که ایمان نمی آورند؟و با شنیدن و توجه به این همه دلایل آشکار بازهم متنبه نمی گردند؟آنگاه می فرماید: علت ترک ایمان از جانب اینها قاصر بودن دلایل و حجج

مـانیست ،بلکه علت اصـلی انکار اینها این است که کفر و تکـذیب در دلهایشان رسوخ کرده و عادت آنها شـده و خـدا هم به آنچه در سـینه هـای خود جمع کرده و کفر و شـرکی که در دلهایشـان پنهـان نموده انـد،آگـاه است ، پس ای پیامبر آنان را به عـذابی دردنـاك بشارت بـده وبشارت دادن برای عـذاب از باب تهکم و اسـتهزاء است و این تهدیـد در نتیجه تکـذیب وانکار آنهاست ، سپس با اسـتثناء منقطع می فرماید: البته مؤمنانی که عمل صالح بجاآورده اند جزء این گروه نیستند، بلکه ایشان اجر و پاداشـی خالی از منت خواهند داشت و خداوند بواسـطه پاداشـی که به ایشان می دهد بر آنان منت نمی گذارد و با منت آن اجررا سنگین و ناگوار نمی سازد.

تفسیر نور

«انشـقاق» به معنای شـکافته شدن است. حضـرت علی علیه السـلام فرمودند: «تنشق السماء من المجره»<۷۷۰> یعنی آسمان از طریق کهکشان از هم گسیخته شود.

«أذِنت» از «اُذُن» به معنای حرف شنوی و «حُقَّتْ» یعنی شایسته وسزاوار و حقّش این بود.

در قیـامت آنچه در دل زمین است ،از مردگـان و گنـج هـا و... به بیرون پرتـاب می شـود. چنـانکه در سوره زلزال می فرمایـد: <<اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها...>>

۱- در آستانه قیامت، آسمان های استوار و محکم <<سبعاً شداداً>><۷۷۱> شکافته می شوند. <<اذا السماء انشقت>>

۲- هستی گوش به فرمان و تسلیم خداوند است. <<اذنت لربّها>> (این جمله درباره آسمان و زمین هر دو آمده است.)

۳- طبیعت نوعی شعور دارد که فرمان پذیر خداوند است. <<اذنت لربّها>>

۴- تسلیم خدا شدن، تنها تسلیم شدنی است که شایسته و سزاوار است. <<حُقّت>>

۵ - در آستانه قیامت، زمین چنان دگرگون می شود

که تمام ناهمواری های آن از میان رفته و سطحی گسترده و هموار می شود. <<اذا الارض مدّت>>

کلمه «کَدح» هم به معنای تلاش و کوشش آمده و هم به معنای آسیب وارد کردن، یعنی انسان به سوی پروردگارش پیش می رود ولی رفتنی همراه با رنج و تعب که گویا به خود آسیب و خدشه وارد می کند.

در حدیث می خوانیم: هر کس سه خصلت را دارا باشد، خداوند حساب او را آسان قرار می دهد و با رحمت خود، او را به بهشت وارد می سازد: به آن کس که محرومش کرده، عطا کند؛ با آنکه قطع رابطه کرده، صله رحم می کند و از آن که به او ظلم کرده، درمی گذرد. «تعطی من حرمک

ل من قطعک و تعفو عمن ظلمک»<۷۷۲>

در آیه نهم و سیزدهم، سخن از شادی و سرور در نزد خانواده است، یکی منفی که مورد انتقاد است و یکی مثبت که پاداش نیکوکاران است. آری، ثمره سرور مستانه و غافلانه در دنیا، دوزخ است و ثمره ایمان و تقوی در دنیا، سرور در میان بستگان در قیامت است.

از حضرت علی علیه السلام درباره آیه ی <<ینقلب الی اهله مسرورا>> سؤال شد. فرمودند: کسانی که در دنیا اهل و عیال انسان بهشتی بودند، اگر مؤمن باشند در آخرت نیز اهل او خواهند بود.

۱- انسان در حرکت به سوی خداست. <<یا ایّها الانسان انّک کادح الی ربّک >>(چنانکه در جای دیگر می فرماید: <<انّا للّه و انّا الیه راجعون>><۷۷۳>)

۲- انسان در مسیر حرکت به سوی خدا، با مشکلات بی شماری روبروست. <<انّک کادح الی ربّک>>

۳- خداوند در تاریخ و جامعه قوانینی ثابت قرار داده است که همه از آن تبعیّت می کنند؛ نه می توانند توقف کنند،

نه به عقب بازگردند و یا به سویی دیگر روند. <<کادح الی ربّک کدحا>>

۴- پایان حرکت انسان، رسیدن به خداوند است. <<فملاقیه>>

۵ - اعمال انسان در دنیا ثبت شده و در قیامت، به صورتی مکتوب و مستند به او ارائه می شود. <<اوتی کتابه>>

۶- در قیامت، حساب مردم گوناگون است و خوبان حسابی آسان دارند. <<حساباً یسیراً>> (و تبه کاران حسابی سخت. <<حساباً شدیداً>><۷۷۴>)

۷- به شادی های دنیوی مغرور نشوید که می گذرد، به شادی های پایدار قیامت، فکر کنید. (اگر امروز به خاطر فرمان الهی از بعضی لذّت های خانوادگی صرف نظر کردیم و برای جهاد یا تحصیل علم یا خدمت از خانواده دور شدیم، در آینده جبران خواهد شد.) <<ینقلب الی اهله مس

ا>>

۸ - گرچه مردم در آغاز از یکدیگر فرار می کنند: <<یوم یفرّ المرء من اخیه...>><۷۷۵> امّا آن که حسابش آسان و جایگاهش بهشت باشد، به سوی خانواده اش باز می گردد. <<ینقلب الی اهله مسروراً>>

«یَحور» از «حور» به معنای رجوع و بازگشت است و مراد از آن بازگشت به حیات اخروی در قیامت می باشد.

«طَبَق» به معنای تطبیق و انطباق است، یعنی قرار گرفتن دو چیز روی هم و به حالت نیز گفته می شود، چون روح انسان با آن حالت منطبق شده است. پس <<لترکبن طبقاً عن طبق>> یعنی شما بر حالتی وخصلتی سوار می شوید که مثل مَرکبی شما را به سوی مقصد می برد.<۷۷۶>

همان گونه که در آستانه غروب، سرخی نمودار می شود، سپس سیاهی شب آن را می پوشاند و آنگاه نور مهتاب بر تاریکی شب پرتو می افکند و این حالات یکی پس از دیگری می آید، شما انسان ها نیز یکی پس از دیگری آمده و دارای حالاتی گوناگون در مسیر تکامل به

سوی خدا هستید

مراد از <<لترکبنّ طبقاً عن طبق>>، مراحل مختلف زندگی است که انسان در مسیر حرکتش به سوی پروردگار آنها را طی می کند. حیات دنیوی، حیات برزخی و حیات اخروی.<۷۷۷>

ممکن است مراد از <<لترکبنّ طبقاً عن طبق>> این باشد که سرنوشت شما، طبق سرنوشت اقوام گذشته است. اگر مثل آنان انکار کنید، هلاک می شوید و اگر مثل آنان ایمان آورید، نجات می یابید. حدیثی نیز این معنا را تأیید می کند.

مراد از سجده در آیه <<اذا قری ء القرآن لا یسجدون>>، خضوع و تصدیق و ایمان است و گرنه باید هر آیه ای که تلاوت شود مردم به سجده افتند.

۱- منشأ بدبختی انسان، غفلت از معاد یا انکار آن است. <<ظنَّ ان لن یحور>>

۲- منکران معاد بر اساس گمان انکار می کنند نه علم. <<ظنّ ان لن یحور>>

۳- ریشه خوشی های مستانه، غفلت از آخرت است. <<کان فی اهله مسرورا... ظنّ ان لن یحور>>

۴- عقل و احتیاط حکم می کند که اگر یقین به قیامت ندارید، لااقل به وقوع آن گمان داشته باشید، <<یظنّون انهم ملاقوا ربّهم>><۷۷۸> نه آنکه به عدم وقوع قیامت گمان برید که منشأ هلاکت است. <<ظنّ ان لن یحور>>

۵ - نتیجه قرائت قرآن باید عبودیّت و تسلیم باشد. <<اذا قری ء علیهم القرآن لا یسجدون>>

«یوعون» از «وِعاء» به معنای ظرف است و مراد از آن در اینجا، ظرف دل است و آنچه انسان در دل دارد. «بَشّر» از بشارت، به خبری گویند که به واسطه آن، در چهره و بَشَره انسان تغییری صورت گیرد و معمولاً به خبرهای خوش گفته می شود. گاهی برای تحقیر نیز می آید، چن

که می گویند: «خبر خوش فلانی مرگ است»

۱- کافران، نه تنها در برابر

آیات قرآن تسلیم نمی شوند، بلکه آن را تکذیب می کنند. <<لایسجدون بل... یکذّبون>>

۲- کسی که خط کفر را پذیرفت، به هر مسئله ای که رسید تکذیب می کند. <<بل الّذین کفروا یکذّبون>>

۳- خداوند، به اسرار درونی انسان احاطه دارد. <<واللّه اعلم بما یوعون>>

۴- گاهی انسان در قالب انکار و تکذیب، اهداف دیگری را دنبال می کند که خداوند به آن آگاه است. <<یکذّبون واللّه اعلم بما یوعون>>

۵ - گاهی انسان به خاطر حفظ منافعش، در ظاهر تکذیب می کند ولی در دل آن را می پسندد. <<یکذّبون واللّه اعلم بما یوعون>>

۶- گرچه مبنای کیفر و پاداش عمل است، امّا ارزش عمل به هدف و انگیزه آن است که خداوند به آنها آگاه است. <<واللّه اعلم بما یوعون>>

۷- لازمه ایمان، انجام هر عمل است که صالح و شایسته باشد، در هر زمینه ای که باشد. <<آمنوا و عملوا الصالحات>> (عبادت، یکی از مصادیق عمل صالح است.)

۸ - ایمان از عمل جدا نیست و لازم ملزوم یکدیگرند. <<آمنوا و عملوا الصالحات>>

۹- پاداش های الهی گسسته نمی شود و همراه با منّت نیست. <<لهم اجر غیر ممنون>>

تفسیر انگلیسی

Refer to the commentary of Infitar: ۱ to ۴ and Takwir: ۱ to ۱۳.

As soon as Allah issues His command the whole material existence that has been created by Him will disintegrate in obedience because every created being, by its nature, must hearken to the voice (will) of its creator even to the extent of its own extinction.

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

Although the life of this world is sometimes full of toil and misery for the believers and

the righteous yet they strive hard to follow the right path because they are convinced that there is a day of resurrection when they shall go to their Lord with their account to meet Him before His throne of judgement. The disbelievers and the transgressors, the deniers and beliers of the day of reckoning shall also come before the Lord but .without the hope of salvation

Refer to the commentary of Bani Israil: ٧١ and Waqi-ah: ٧ to ٥۶. For those who spent their lives in goodness and truth their reckoning will be made easy. They will rejoice in .the rewards given to them

(see commentary for verse ٧)

(see commentary for verse ٧)

Refer to the commentary of Haqqah: ٢۴ and ٢۵. The wicked will cry for death and annihilation, but they will neither live nor die as said in verse ٧۴ of Ta Ha. In the life of this world they were, in utter neglect of the hereafter, in extreme self-complacency and self-conceit, imagining that they would not be called upon to account for their evil .deeds

(see commentary for verse ١٠)

(see commentary for verse ١٠)

(see commentary for verse ١٠)

(see commentary for verse ١٠)

(see commentary for verse ١٠)

.See commentary of Muddaththir: ٣٢ for "I call to witness"-adjuration

Mans attention is drawn to the flawless functioning of the universe under the precise laws made by Allah. Man, therefore, must observe, study and understand the disciplined functioning of the material existence and also follow the laws ordained by Allah and conveyed to him through the Holy Prophet, not only to establish

a fair, just and harmonious social order in this world but also attain success in the life of hereafter. There is something wrong with his understanding and will if he does not do so. He must follow the laws given to him in the Quran which is the real submission .and gratitude to Allah

The ignorant and obstinate among the people who are weak in wisdom do not .understand, so they disbelieve and consequently suffer punishment

(see commentary for verse ۱۶)

(see commentary for verse ۱۶)

(see commentary for verse ۱۶)

(see commentary for verse ۱۶)

(see commentary for verse ۱۶)

(see commentary for verse ۱۶)

(see commentary for verse ۱۶)

(see commentary for verse ۱۶)

(see commentary for verse ۱۶)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹